

ترکمن های افغانستان در آینه سیاست

از حکومت موقت ناختم
جمهوریت



مؤلف: فضل الدین حاجی زاده
سال: ۱۴۰۳ ه.ش

ay-kitap.com

ay-kitap.com



ترکمن های افغانستان

در آینه سیاست

از حکومت موقت تا ختم
جمهوریت



سال: ۱۴۰۳ ه.ش

مؤلف: فضل الدین حاجی زاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیوگرافی نویسنده

فضل الدین مخلص به « حاجی زاده » فرزند حاجی محمد جمعه در سال 1371 خورشیدی در شهر مزار شریف به دنیا آمد. وی بعد از تکمیل سن قانونی بخاطر آموختن علم و دانش شامل لیسه‌ی ابومسلم می‌شود و تعلیمات دوره‌ی دبستان را در لیسه‌ی مذکور فرا می‌گیرد، بعداً به لیسه عالی قاضی حمید الدین نقل مکان مینماید و دوره دبستان را در لیسه مذکور در سال 1390 خورشیدی موفقانه به پایه اکمال رسانیده سند فراغت از صنف دوازدهم را به دست می‌آرد. موصوف در پهلوی مکتب شامل آموزشگاه عالی آذرخش مزار شریف می‌شود و لسان انگلیسی و برنامه‌ها و پرگرام‌های کمپیوتر را در آموزشگاه مذکور تا به مراحل عالی فرا می‌گیرد.

محترم حاجی زاده به آزمون کانکور سال 1390 خورشیدی اشتراک نموده و با کسب نمرات عالی به دانشکده‌ی شرعیات دانشگاه ولايت پنجشیر راه می‌ابد. موصوف در سال نخست دانشجویی خویش توانست که عضویت (رقابت‌های محکمه‌ی تمثیلی حقوق بین الملل فلیپ سی چیسپ) را کسب نماید. و در همان سال در میان دانشجویان 9 دانشگاه توانست که مقام سوم را، از آن خود نموده ، قابل الذکر است که موصوف مدت چهار سال متواتر (2013، 2014، 2015 و 2016) میلادی از طرف دانشکده‌ی شرعیات دانشگاه ولايت پنجشیر به محکمه‌ی تمثیلی حقوق بین الملل اشتراک ورزیده و در سال آخر تحصیلی توانست که در رقابت تمثیلی حقوق بین الملل در شهر واشنگتن کشور امریکا باشماری از دانشجویان دانشگاه‌های مختلف کشور اشتراک نموده و در میان دانشجویان 132 دانشگاه 90 کشور جهان مقام خوبی را کسب

نموده اند، قابل یاد آوری است که فضل الدین حاجی زاده به مدت یک سال در دانشگاه پنجشیر تدریس نموده است.

سرانجام محترم حاجی زاده در سال 1394 خورشیدی دوره‌ی تعلیمات تخصصی دانشگاه را موفقانه به پایه‌ی اکمال رسانیده سند فراغت از دوره‌ی لیسانس را به دست می‌آرد. موصوف همان سال به صفت رئیس جوانان شورای (ترکمن برلشیک) برگزیده می‌شود و به مدت یک سال و شش ماه ایفای وظیفه نموده و به فعالیت‌های خود ادامه میدهد، حاجی زاده بعدا در محکمه استیناف ولایت جوزجان به حیث کارمند برگزیده می‌شود وی برای مدت یک سال به فامیل قضا خدمت نموده بعدا برای کاندیدا شدن در ولسی جرگه از ولایت بلخ وظیفه محوله را استعفا می‌نمایید و برای کارزار‌های انتخاباتی در بلخ می‌پردازد وی برای موفق شدن در این فرایند زیاد می‌کوشد اما بخت یاری نمی‌کند و در نتایج اعلام شده انتخاباتی در رده بالا قرار داشت.

حاجی زاده برای ادامه دوره کارشناسی ارشد (ماستری) در رشته حقوق جزا و جرم شناسی وارد دانشگاه بین المللی المصطفی ایران واحد کابل می‌شود و با نمرات عالی کارشناسی ارشد اش را به اتمام میرساند، وی در پهلویی تحصیل و کار به فعالیت‌های رسانه‌ای به عنوان تحلیل گر وارد صحنه می‌شود.

فضل الدین حاجی زاده در شورایی عالی مصالحه ملی ج. ا! در بورد مشاورین ایفای وظیفه نموده و به عنوان معاون مالی و اداری مرکز تحقیقات زبان تاریخ و فرهنگ ترکان افغانستان ایفای وظیفه نموده و حالا هم به عنوان استاد در سازمان الپا در دانشگاه آنلاین مصروف تدریس می‌باشد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
5	چکیده.....
.....ز	مقدمه
فصل اول	
1	کیستی ترکمن ها
1	پیشینه تاریخی ترکمن ها.....
7	تبار شناسی ترکمن ها.....
9	صنعت ترکمن ها
12	قالین ترکمن ها و گسترش اقتصاد ملی.....
فصل دوم	
16	ترکمن ها در پرتو سیاست و جامعه.....
16	چالش های سیاسی و اجتماعی ترکمن ها در افغانستان.....
23	موانع سهم گیری های سیاسی و اجتماعی ترکمن ها در افغانستان
28	تبغیض خون ما را خواهد مکید.....

30	سرکوب ترکمن ها
32	نا برابری اجتماعی
39	عوامل موافع اجتماعی اجتماعی ترکمن ها
	فصل سوم
41	نقش ترکمن ها در مشارکت سیاسی و احزاب
41	نقش قوم ترکمن در مشارکت سیاسی در افغانستان
44	حزب جمعیت
49	حزب جنبش
53	حزب اسلامی
59	امید ها و تحول در آینده سیاسی ترکمن ها
62	نتیجه گیری
64	منابع و مأخذ

چکیده

این موضوع یک موضوع طویل و مغلق است که از جنبه های متفاوت، با دیدگاه و برداشت مختلف چالش‌های سیاسی ترکمن‌ها را مورد بررسی قرار دهیم، اما نمیتوان به گونه مفصل به پیشینه تاریخی ترکمن، حضور ترکمن‌ها در افغانستان، حکومت‌ها و امپراطوری‌هایی که در جهان ایجاد کرده اند، بحث شود تا این پدیده روشن شود که ترکمن‌ها از چه مدنیتی در منطقه بر خوردار است. یکی از موضوعات پیچیده چند محوری و انکارناپذیری که موجود انسانی عمدتاً به اقتضای زیست اجتماعی خویش از اولین لحظه ورود به این عالم تا آخرین دقایق عمر خویش همچنان در دلان آن زیست میکند، فرایند موسوم به جامعه پذیری است. مواردی که با هدف شگوفا سازی و سهم گیری همه جانبه برای پرتو سرمایه‌ها و دست آوردهای فرهنگی و اصول همدیگر پذیری و همچنان مشارکت برای یک هدف مهم همه جانبه به وقوع بپیوندد و ایجاد یک فضای امن همه شمول به منظور آماده سازی افراد برای ایفای نقش‌های ارایه شده تأمین انتظارات اجتماعی طراحی شده تمام اینها حاصل یک فرهنگ همه شمول است. اینجا هدف از مشارکت سیاسی همان سهم گیری تمام اتباع یک کشور ویا یک دولت است، که در آن زیست دارند. اما با تأسف از سالیان محدودی به این طرف در افغانستان مشارکت رنگ دیگری را به خود گرفته است .

در این کتاب تلاش بر این است که به گونه کوتاه روی چالش‌های سیاسی ترکمن، مشارکت سیاسی آنها در دوران حامدکرزی و اشرف غنی به عنوان ترکمن‌های افغانستان در آینه سیاست بحث شود. در حقیقت تا حال در باره

ترکمن های افغانستان در آئینه سیاست در کشور هیچ تحقیقی صورت نگرفته است و این تحقیق بر آن است که چالش های سیاسی ترکمن های افغانستان از جنبه های سیاسی و اجتماعی دوران حکومت های حامد کرزی و اشرف غنی را مورد بررسی قرار دهیم.

در این رساله کوشش شده تا در باره کیستی ترکمن های افغانستان در آئینه سیاست، و جایگاه آنها در فرایند های سیاسی و برخوردهای سلیقه ای، تبعیض آمیز با ترکمن ها و پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی بحث شود.

مقدمه

به گواه تاریخ، در این مرز و بوم ملت های زیادی شکل گرفتند، ملت هایی با مشخصه های مخصوص که رهنمایی نسل های بعدی باشند. اما بدون اینکه به بعضی از موارد در قالب ملت ها بیندیشیم یک موارد معلوم پیش می آید که ملتها فاقد شکل گیری خرد جمعی، آگاهی اجتماعی و ضعف مدیریت ملت ها یا حکومت ها عنوان کرد. فقط برگه هایی از تاریخ به مثابه گزارشگران نسبی هویت، آداب و سنت، عقاید و باورها، فتوحات و شکست ها و فرهنگ آنان، باقی مانده اند. سیاست و حکومت سازی مرهون شکل گیری حکومت فرا گیر و منسجم لازم بر همه شمول بودن و تداوم شکل گیری حکومت دارد. در صورت همه شمول بودن و فراغیری اجتماعی و سیاسی امری است که ملت های مرفع شکل میگیرد. ترکمن های افغانستان در همه امور در دوران حکومت ها در کنار اقوام دیگر صادقه برای تداوم و انسجام و ملت سازی تلاش به خرج داده اند، امری که شکل گیری و وجود یک حکومت را در کنار ملت منسجم ضروری میسازد.

اما چه مواردی دامنگیر این همه انسجام و تلاش صادقانه ترکمن های افغانستان در بحبوبه سیاسی و اجتماعی در فضای امن سیاسی قربانی هدف های شوم احزاب و اقوام با هم برادر شده است بیشتر روی این موضوع در این پژوهش به آن خواهیم پرداخت.

مامورین دولت مؤظف به حفظ استقلال و نظم کشور اند، به مثابه بازیگر اصلی عرصه اجتماعی مسئول حفظ موجودیت ملت و تکامل و استمرار فرآگرد ملت

سازی اند؛ امری که به نوعی در حکمرانی عینیت می‌یابد؛ بدین معنا که حکومت، به مثابه نهاد رهبر، در کنار سایر نهادهای اجتماعی نظیر بازار و سایر جامعه‌مدنی، متولی حفظ موجودیت ملت و تداوم بخش و تسهیل گر تکامل فراگرد ملت سازی است.

قوم ترکمن با در نظر داشت بازی‌های سیاسی و سرکوبی از سوی دیگر اقوام و تبعیض نژادی و قومی تا به حال مشارکت مشخصی در سهم گیری در تشکیلات دولت نداشته و این مسئله از زمان‌های زیادی به این سو روان بوده است. با آن هم مشارکت این مردم برای رفاه جامعه و دولت سازی سهم مستقیم و غیر مستقیمی را ایفا نموده است که نفووس زیادی را متشکل کرده است، با آن هم بر مبنای مختلف در مشارکت‌های سیاسی سهم مشخص را داشته و همیشه از آدرس دیگر اقوام به مشارکت سیاسی پرداخته شده است.

در این پژوهش سعی گردیده با بررسی جامع قوم ترکمن و نقش و جایگاه آن‌ها در مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و سعی گردیده عمدۀ ترین عوامل عقب مانده‌گی آن‌ها مورد بررسی و تفسیر قرار گیرد. از اینرو، میتوان گفت که این تحقیق در صدد آن است که با رصد الزامات ملت سازی در پرتو رهنمودهای رویکرد حکمرانی خوب، راهکارهایی را برای بازتولید احیای هویت ملی و اجتماعی و چالش‌های سیاسی که ترکمن‌های افغانستان مواجه بوده اند، بیان خواهد شد.

واژگان کلیدی: مشارکت، سیاست، دولت، قوم ترکمن، چالشهای سیاسی

فصل اول

کیستی ترکمن‌ها

الف: پیشینه تاریخی ترکمن‌ها

در حوزه هایی که ترکمن‌ها در آن زیست دارند، بیشتر مناطق سواحلی رودخانه آمو است. در حدود سه هزار سال قبل جمعیت عظیمی از دامداران نیمه اسکان و صحراء نورдан شمال و شرق ورود به شمال غرب را آغاز کردند و حتی بخش‌هایی از آنها تا ایران کنونی نیز نفوذ نمودند. این اقوام صحراء نورد که از شمال وارد مواردالنهر و خراسان شده بودند «اغوزخان» نامیده می‌شدند. این نام از نام جد افسانوی ترکمنها «اوغوزخان» گرفته شده است. اوغوز، اگوز یا غز کنفدراسیون یا مجموعه مردمان ترک است که ترکان اولیه را توصیف می‌کند. اغوزخان نخست در مغولستان داخلی (در شمال چین و جنوب جمهوری مغولستان واقع است (ترکستان) سکونت داشتند و در کتبیه‌های اورخون متعلق به قرن هشتم میلادی، ذکر ایشان در مغولستان رفته است. اغزان مزبور را ترک محسوب داشته‌اند، نه ترکمان. ترکمانها را به این نام، فقط در جانب

مغرب یاد کرده اند. در گذشته، ترکمن نام عمومی بسیاری از اقوام ترکتبار به ویژه اقوام اغوز مسلمان کوچ نشین بود و نه صرفاً قومی که امروزه ترکمن نامیده میشود. ترکمن شامل طوایفی بود که در شرق دریای خزر از رود جیحون تا شمال خراسان و رود گرگان سکونت اختیار نموده بودند.

در قرن ششم غزها از متحد شدن همه قبایل صحرانشین ساکن چین تا دریای سیاه، امپراتوری واحدی را تشکیل دادند؛ که بنام «گوک ترکها» یاد میشدند. پس از اضمال این امپراتوری به دین اسلام مشرف گردیده از دیگر ترکان جدا شدند.

واژه های ترکمن و ترکمان در گذشته به تمامی قبایل ترکتبار اغوز به ویژه طایفه های کوچ نشین و مسلمان گفته میشد که به همین مفهوم تا امروز این گروه قومی را ترکمن مینامند. ترکمنهای کنونی شاخه ای از همان ترکمنها قدیم میباشند که در بسیاری منابع ذکر گردیده است.

جدا شدن ترکمنها از اضمحلال امپراتوری گوک ترکها و آغاز مسلمان شدن ترکها است. ترکمنها در زمان سلجوقیان قوت گرفتند. این ملیت از قرن هشتم تا دهم میلادی هویت قومی خود را از جمله ترکان آسیای مرکزی وبالخصوص اقوام ۲۴ گانه اغوز تشییت کردند. به شهادت تاریخ، اولین دسته ترکهایی که اسلام را پذیرفتند و بعداً اقوام مختلف و قبایل دیگر ترک و ساکنین ترکستان و آسیای مرکزی را نیز به اسلام دعوت کردند و با تشکیل امپراتوری بزرگ سلجوقیان که خود را از طایفه قنیق ترکمن میدانستند، وارد خراسان از جمله مرزهای افغانستان کنونی گردیده تا امروز در کشور کشور کشیمالیت افغانستان زندگی میکنند.

باید گفت ترکمنها مؤسسین امپراتوریهای بزرگ جهان، چه در قالب اتحادیه مردمان اورآسیا، زمانی که در سیبیریای جنوبی، و شمالی زندگی میکردند؛ و هم‌مان تحت نام اوغوز کشور ایران، ترکیه و قفقاز را تحت کنترول داشتند. این گروه قومی مؤسس امپراتوریهای قره خانیان (افراسیاب) دولت مقندر سلجوقیان، خوارزمشاهیان، امپراتوری عثمانیها، دولت مقندر آق قویونلی و قراقویونلی، سلطان نشینهای دهله، مملوکهای ترکمنی (ایگیپت) مصر امروزی، غزنویان و افشاریان، تاریخ ساز بودند.^۱

ترکمن ها آهسته آهسته با کشاورزان بومی درآمیخته و بخشی از آنها در این منطقه اسکان گزین شدند. اجداد ترکمنها در زمان های قدیم نه تنها در مناطق یاد شده زیست میکردند، بلکه در مرغزاران گسترش آسیای مرکزی و شرقی میزیستند. این سرزمین از طرف مشرق به کوه های خنگان و دیوار کبیر چین و از طرف غرب به بحیره خزر متصل بود و سرزمین مغلستان در شمال آن قرار داشت. برای اینکه تاریخ سیاسی ترکمن ها را در طول سده ها به بررسی بگیریم، لازم است تا نظر کوتاهی به گذشته های دور بیاندازیم، اجداد و نیاکان ترکمنها در حدود نه قرن قبل از میلاد در نواحی های شمال مغولستان، جنوب سایبریا، قسمت شرقی ترکستان و شمال بحیره خزر میزیستند. از میان قبایل ترکی بیشتر از همه هونها یا هیونگ نوها، کوشانی ها یافتلهای و ترک ها، اغوز ها و بازماندگان شان نقش بزرگی را در تاریخ بازی کرده و امپراتوریهای بزرگی را ایجاد کرده است.

¹ - امینی، محمدکاظم، (1395). تاریخ میمنه. انتشارات آزاد میمنه، صص ۲۳ و ۳۳.

از دیدگاه و بررسی اسناد تاریخی در ادوار گذشته در صحرایی وسیع آسیای مرکزی و میانه، طوایف ترک زبان زندگی کرده اند که به گروه های مختلف و طایفه های بزرگتری تقسیم شده و به هر یک از آنها اسم مستقل اطلاق می شده است. بطوری که از اسناد تاریخی مشخص میشود، از میان طوایف ترک آن دسته که نام قدیمی خود را حفظ نموده و بعد ها تا درجه یک ملت رشد نموده اند می توان از قرقیزها، اویغورها، سپس ترکمنها و باشقرت ها نام برد. در باره کیستی ترکمنها قابل ذکر است که در تورات بنی اسرائیل نگاشته شده است که حضرت نوح پیغمبر علیه السلام دارای سه پسر بود به نام های: حام، سام و یافث.

نوح علیه السلام زمین را از جنوب تا شمال سه قسمت کرد، حصه اول را به نام حام که پدر سودان بود و حصه دوم را به سام که پدر اعراب و فارس بود بخشید و حصه سوم را به یافث که پدر اتراک بود اهدا نمود. و یافث را به جانب مشرق فرستاد و اوی در شمال شرق آسیا موطئن گردیده، امرار حیات مینمود.

بنابر نوشه مورخین قدیم از یافث پسرانی به نام های ترک، خضر، سقلاب، روس، منگ، چین، کماری و تاریخ به جهان آمد. هنگامی که یافث وفات مینمود، پسر بزرگ اش را جانشین خود نمود و فرزندان خود را چنین نصیحت نمود که ترک را پادشاه بزرگ خود و از اوامر و سخنان او اطاعت کنند.

در حقیقت ترک یک شخص عاقل، مدبیر و صاحب اخلاق نیکو بود. بنابرین ترک خان پس از اینکه به جای پدر مینشیند از سرزمین های دور و بر خویش

² - ایشچی، عبدالمحیمد(1378). ترکمن های افغانستان، ص ۳۳

دیدن نموده، بالاخره یک موضوع خوش آب و هوا و زیبا را که امروز موسوم به ایسیخ کول میباشد، برای بود و باش خود انتخاب نموده و خرگاهی در آن محل برپا کرد. به عقیده راویان ترکمن، اولین کسیکه، یورت، یا خرگاه را به وجود آورده، ترک خان بوده است. ترک خان هم چهار پسر داشت به نام های : توتك، چگل برسجارت و املاق، بعد از فوت ترک خان، توتك خان، بر جایش مینشیند، وی هم شخص مدبر، عاقل و صاحب دولت بود.^۳

ابوالغازی بهادر خان مولف، شجره ترکمه، توتك خان را معاصر کیومرث میدانند. به گفته وی برای اولین بار توتك خان استفاده از نمک طعام را برای مردم یاد داده است. بنابرین روایت هنگامی که توتك خان در سیر و سیاحت به جای میرسد که زمین آن شوره زار بود. در وقت خوردن گوشت توته از دست وی به زمین می افتد، وقتی توتك خان گوشت را پاک کرده میخورد، احساس میکند که گوشت نسبت به گذشته لذیذ تر شده است و به این ترتیب، وی اولین بار نمک را تشخیص داد و در پختن غذا از آن استفاده مینماید. پس از درگذشت توتك خان، بولجه خان، به جای وی مینشیند، و این بولجه خان را پسری بود نام او، دیب یا قوی بود، معنای دیب موضوع سخت و جای منصب میباشد و یا قوی یعنی بزرگ جمهور قوم، و این پسر به شوکت و اسباب پادشاهی زیادت از پدر بوده و چهار پسر داشت: قراخان، اورخان، کز خان، و گور خان و مجموع آن قوم کافر بودند. قرا خان قایم مقام پدر شد و او را پسر بوجود آمد و سه شبانه روز پستان مادر نمی ستد... آن بچه یکساله به آواز آمد و گفت نام من را انزو نهید.

³- راسخ، محمدصالح. (1394). تاریخ و فرهنگ ترکمنها . چاپ سوم، انتشارات ص 6/11/13/12

بنابر نگارش مولفین بعد از ، دیپ یا قوی خان ، پسرش ، کوک خان ، و پس از
وی ، النجه خان ، به سلطنت رسید و وی نیز دو پسر داشت به نام های: مغول
خان و تاتار خان که مملکت وسیع خویش را بین این دو پسر تقسیم میکند .
پس از وفات النجه خان ، مغول خان در قلمرو خود و تاتار خان نیز در موضوع
معین خویش فرمانروایی کرده اند. و مغول خان چهار پسر داشته به نام های :
قرا خان، کز خان، کرخان، و اورخان، بود اما مولف جامع التواریخ، قرا خان و
برادران وی را پسران دیپ یا قوی ذکر میکند و از کوک خان و النجه خان،
مغول خان و تاتار خان ذکری به میان نمی آورد

ب: تبار شناسی ترکمن

ترکمنها از نژاد زرد و یکی از اقوام ترک زبانان افغانستان میباشند. تعداد زیاد این ملیت در شمال و شمال غربی افغانستان حیات بسر میبرند. طور دقیق در هشت ولایت ۳۴ ولسوالی زندگی میکنند. زبان ترکمنی از جمله زبانهای ترکتبار از شاخه اغوز غربی نزدیک به زبان اوزبیکی و قزاق است. ترکمنها مسلمان سنی مذهب و پیرو مذهب حنفی هستند. این ملیت با وجودی که امپراطوریهای بیشماری را گذرانده اند، ولی عمدتاً تا اوایل قرن بیستم کوچ نشین در آسیای مرکزی بودند. پس از آن به مرور زمان ده نشین و شهرنشین شدند. آنهایی که در افغانستان زندگی داشتند، طرز زندگی آنان مانند سایر اتباع کشور بود. ترکمنهای کنونی افغانستان از عهد قدیم در صحراهای وسیع بخش سفلای رود سیحون و بین بحیره ارال طور عایله و قبیله وار زندگی داشتند. این ملیت زمانی کشوری را بنام مرو داشتند؛ که وسعت بیشتر از ترکمنستان امروزی داشت.^۴ اکثریت ترکمنها در نواحی شهرهای ولایت فاریاب، جوزجان، سرپل، قندز، و شورتیپه ولایت بلخ، ولسوالی های قرقین و خمام و آقچه ولایت جوزجان و در ولسوالی های قندوز از قرنها متمادی زندگی داشتند، و عده محدودی از ترکمنهای افغانستان در زمان حکومت بلشویکها، که اکثراً مبارزین آزادی طلب ترکمنستان بودند، به ولایات شمالی افغانستان و هرات مهاجرت نموده، در این ولایات زندگی میکنند. ترکمنها بزرگان خود را خان بای ویا باشی میگویند. این گروه قومی به خاطر این که فرزندان اغوز خان هستند، خویشا خان زاده گان اقوام ترک میشمارند. مردمان

⁴ سیرت، سیاوش، نقش ترکتباران (ترکمن ها) در مشارکت سیاسی افغانستان. ص، 3، 4

این ملیت مؤدب، صادق در حفاظت ناموس خود و دیگران از شهرت زیاد برخوردار هستند. به همین لحاظ دولتهای سابق محافظه زن و اولاد خود ترکمنها را ترجیح میدادند. در افغانستان ۶ شاخه عمدۀ ترکمنها زندگی دارند که هر شاخه زمانی صاحب قدرت و از خود تاریخ جداگانه دارد. زنان این ملیت در صنعت قالین بافی کلّاً چین، انواع دستار، نمد از شهرت خوب برخوردار میباشند. ترکمنها اکثرًا مسلمان سنی مذهب اند، ولی عده در دره ترکمن ولایت پروان شیعه مذهب استند. به گمان اغلب این ترکمنها از سپاه هزاره در زمان تولای خان پسر چنگیز خان بوده اند. تولای خان حاکم سرزمین ایران خانم خیلی زیبا از شیعه مذهب داشت. وی در حمله بر بامیان پدر را کمک نمود. پس از تخریب شهر غلغله بامیان متعلق به تولای خان گردید. خانم وی آنچه مردم و سپاهی که داشت مسلمان و شیعه مذهب گردانید⁵. با آمدن اسلام در خراسان، ترکمنها اولتر از دیگر اقوام ترک تبار به اسلام رو آوردند و آز آن بعد به خاطر اشاعه وترویج دین مبین اسلام به بزرگترین مبلغین وترویج کنندگان دین در ترکستان وآسیای مرکزی تبدیل شدند⁶.

⁵ سیرت، سیارش، نقش ترکتباران (ترکمن ها) در مشارکت سیاسی افغانستان. ص، ۴، ۵، ۶
⁶ دولت آبادی، (1371). نشرات پژواک صص ۱۳۴-۲

ج: صنعت ترکمن‌ها

سال‌های متمادی ترکمن‌ها برای رشد اقتصاد کشور نقش عظیمی داشته‌اند، و اکنون هم این ملت زحمتکش در قسمت تولید نعم مادی رول اساسی را بازی کرده است، ترکمن‌های افغانستان برای گسترش صنعت قالین و در کنار این در پیشه زراعت و بخاطر توسعه اقتصادی و انکشاف عواید ملی تلاش به خرج داده است. برخی از دانشمندان نگاشته‌اند که ترکمن‌های افغانستان در حدود چهل میلیون گوسفند را دارا می‌باشند که نود درصد پوست قره قل کشور را تولید مینمایند. که این امر اهمیت بزرگی در اقتصاد کشور دارد و از سوی دیگر ترکمنها از نگاه بافت قالین و در عرضه دیگر منسوجات مهم حائز اهمیت فراوان بوده و تجارت قالین و پوست قره قل نیز اکثرا در دست تجار این ملیت صورت می‌گیرفت که نقش اقتصادی این رشته‌ها در مجموع برای تامین منابع عایداتی کشور برازنده بوده است.

ترکمنها از قدیم الایام در انواع گوناگون پیشه و صنایع دستی بلدیت کامل داشته‌اند. این کسبها و پیشه‌ها از نسلی به نسلی دیگر انتقال کرده و در آنها انگیزه‌های فلکوری و هنری زیادی به مشاهده می‌رسد که بسیاری از آنها از ژرفای قرون متمادی سرچشمه می‌گیرند. از زمانهای بسیار در فلزکاری، به ویژه آهنگری و زرگری از شایع ترین پیشه‌ها به شمار رفته و اکنون نیز در بین ترکمنها رواج فراوان دارد.

ترکمنها اشخاصی که در پیشه‌های مختلف وارد بوده و توانایی ساختن اشیای مختلف را در عرصه‌های گوناگون دارند، به نام، اوستا، مینامند. چرم سازی و

نجری نیز از قدیم از پیشه های شایع ترکمنها بوده است. در میان ترکمنها گاهی هر قبیله و طایفه در صنعت معین متخصص بودند و اکنون نیز از این متخصصین در برخی از مناطق ترکمن نشین هنوز هم اقوامی بنامهای، زرگرلر، جوازانلر، دراچیلار به مفهوم شانه سازان، آراباچیلار، به معنی اربابه سازان و غیره به نام کسب و کار شان نامیده میشود.

در زمان معاصر اکثرا ترکمنها به مالداری، زراعت، قالین بافی و دیگر صنایع دستی و تجارت مشغول اند. اکنون ترکمنها در مناطق مختلف کشور به کار های گوناگون اشتغال دارند. مثلا ترکمنهای اندخوی، آقجه، دولت آباد فاریاب و شبرغان بیشتر به تربیه موشی قالین بافی و تجارت مشغول اند. بخاراط اینکه در این مناطق زمینهای زراعتی کمتر بوده و مشکل آبیاری زمینها به نسبت قلت آب پرایلم جدی است. بر عکس ترکمنهایی که در مناطق قندوز، پلخمری، تخار، شورتپه، قرقین، خماب، کلدار، مرrocاق و غیره مسکون هستند، مالداری و تجارت کسب اساسی ترکمنها را تشکیل میدهد. ترکمنهایی که در شهرها و یا در نزدیکی شهر ها امرار حیات مینمایند، اکثرا به پیشه های مختلف از قبیل: زرگری، آهنگری، چرمگری، قالین بافی، و به ویژه به تجارت مشغول اند.

در نزد ترکمنها اقسام مختلف صنایع دستی از قدیم مروج بوده است. این صنایع بیشتر به طبقه ااث منسوب بوده و به دست آنها تولید میشده است. مثلا پارچه بافی و تولید منسوجات نخی و ابریشمی و پشمی، قالین بافی، نمد مالی، گلیم بافی، زردوزی و گلدوزی اکثرا به دست زنها انجام میشد. صنعت گلدوزی در بین ترکمنها سنت دیرینه دارد. معمولا یخن، آستین و دامن لباسهای زنانه، عرقچین های بچه گانه و مردانه، دستمال های ملی، چپنها کلاه ها با

گلدوزیهای پر نقش و نگار ترین میگردید و اکنون نیز این سنت ها ادامه دارد. گلدوزی های ترکمنی هنوز نیز جهت زینت دادن پیرهن های زنانه، چپنهای زنانه کیف های زنانه و غیره مورد استفاده قرار میگیرد. زیبایی صنعت های کهنه ترکمن (مثلاً قالین و گلدوزی) در رنگ آمیزی و ترکیب رنگهای تیره و روشن به نحوی است که گویی از درون آسمان سبز روشن ستاره های درخشان میدرخد. در قلم کاری های روی نقره و طلا و گاه نقش و نگار های آب طلا کاری، استا، های ترکمنی اسنان را به حیرت می اندازد. این استا ها از جواهرات، طلا، و نقره: دست بند ها، گوشواره ها، گل سینه ها، گلو بند ها، انگشت ها و سایر زینت آلات زنانه را با کمال هنرمندی و ظرافت تولید مینمایند.

قابل تذکر است که ترکمنها بخصوص در ساختن اسباب و آلات اسب از قبیل: زین، رکاب، و سایر لوازم اسب از قدیم الایام استعداد شایان توجهی داشته اند. اشیای بسیار ظریف و هنرمندانه از اجداد قدیمی ترکمنها از قبیل هونهای، یفتلهای، ترکهای، اوغوز ها و دیگران توسط باستان شناسان یافت شده است که از هنر شگفت این مردم حکایت میکنند. اکنون اسباب و آلاتی که از زیر زمین از عصر هونها و دیگر قبایل قدیمی ترک بدست آمده، اکثرا سامان و لوازم اسب بوده است. و در عرصه صنعت خدمات بیشتری انجام داده اند.^۷

⁷ راسخ، محمدصالح، 13394. تاریخ و فرهنگ ترکمنها . ص 15/16

د: قالین ترکمنی و گسترش اقتصاد ملی

به هر حال در زمان معاصر یکی از صنایع بسیار معروفی که نام ترکمنها را به جهان شناسانده است و به نام ترکمن عجین گردیده، صنعت قالین بافی و گلیم بافی این مردم است. چون اجداد ترکمنها به حالت صحرا نورده و کوچیگری زندگی داشتند، و برای آنها سامان و لوازم و مفروشاتی بکار بود که آنرا به آسانترین طریق از یکجا به جای دیگر انتقال داده بتوانند. بناء آنها از قدیم به بافتن قالین و گلیم مهارت پیدا کرده اند و هنر خویش را در این پیشه از خود تبارز داده اند. قالین بافی یکی از پیشه های اساسی و صنایع ملی ترکمنها بوده است بناء ما در اینجا در مورد این صنعت دستی ترکمنها کمی مفصل تر مکث مینمایم.

قالین بافی از هنر های قدیمی خلق ترکمن و یکی از افتخارات ملی و فرهنگی آنان میباشد. صنعت قالین بافی ترکمن تاریخچه طولانی دارد. صنعت قالین در ابتدا زاده احتیاج بوده و به غرض رفع مشکلات بوجود آمده است. اساساً تولید قالین را به اقوام کوچی و سوار کار ترکی مربوط میدانند، زیرا بشر در آن زمان محتاج به وسیله ای بوده که از یک طرف سبب دفاع از رطوبت و از جانب دیگر موجب رفع گرمی و سردی بوده و گذشته از آن سهل الانتقال باشد. یعنی سریع مورد استعمال قرار گرفته بتواند. از اینرو شرط اساسی تولید قالین را رمه داری و داشتن پشم کافی و مردمی که قابلیت بافتن را داشته باشد، میدانند.

اگر چه معلوم نیست که صنعت قالین بافی اولین بار در کدام منطقه و یا محل بوجود آمده و کدام شخص یا قوم در کدام زمان این صنعت را به میان آورده

است، زیرا در باره این صنعت کدام سند قدیمی موثق وجود ندارد. اما اینقدر میتوان گفت که در نتیجه مساعی خسته گی ناپذیر باستان شناسان این حقایق مشخص گردیده که نخستین قالینها در آسیای مرکزی بافته شده است. در اثر همین کوشش‌ها بود در سال 1945 میلادی باستان شناس روسی به نام، رودنکو، در اثر کاوش‌ها توانست که از کوه‌های التای در دره پالیاریک در جنوب سایبریا در نزدیکی شهر، بیجسک، آثار قالین باستانی را کشف کند.

این آثار از کاوش پنج مقبره که در آن جمله قبر یک شهرزاده ترکی نیز شامل بود، و در قرن پنجم قبل از میلاد میزیست، بددست آمد. این پارچه قالین با نقاشی‌های مزین بوده و با قالین‌های امروزی ترکمنها شباهت زیادی دارد و این بیانگر آنست که صنعت قالین بافی در آن عصر اکشاف شایانی نموده بود. بزرگی این پارچه قالین کشف شده دو متر مربع بوده و در هر یک متر مربع آن (36000) گره زده شده است. برخی از پارچه‌های دیگر نیز یافت شده که مربوط به سده 3_6 میلادی است. این قالین‌ها از شرق ترکمنستان یافت شده و دارای نقاشی‌های زیبا بوده، رنگ سرخ و آبی در آن بیشتر کار شده است.

آثار فوق الذکر نشان میدهد که صنعت قالین بافی از زمانه‌های خیلی قدیم در قسمتهای مرکزی آسیا پیدا شده به ویژه در سده دوازدهم میلادی اکشاف زیاد کرده است، زیرا چراگاه‌های این منطقه از زمانه‌های قدیم برای پرورش حیوانات و تولید پشم مساعد بوده است. در یکی از آثار سیاح معروف، مارکوپولو، که در قرن سیزده میلادی میزیست مطالبی در این زمینه دیده میشود. وی در فصل 21 کتاب خود چنین نگاشته است: میدانید در اینجا قالین‌های بسیار نفیس و زیبا تهیه میشود که قابل تحسین است.

اگر بپذیریم که در دوران مارکوپولو در میان ملیت ترکمن چنین قالین های نفیس و زیبا موجود بوده، باید برای فرآورده های قالین، تاریخچه طولانی تری مربوط به دوران قبل از میلاد را میتوان تخمين زد. چرا که قالین محصول انبوهی از کار، خلاقیت و هنر نسل های زیاد دختران و زنان بوده است.

قالین بافی از نسلی به نسلی دیگر و طی قرون متمادی ظرافت هرچه بیشتری به خود گرفته و متكامل تر شده است. تکامل و رشد تکینیک قالین بافی و مهارت در ترسیم نقش قالین، ظرافت رنگ آمیزی و همچنین قدامت آن قالین را در بین صنایع دستی خلق ترکمن را متمایز نموده است. در قالین و فراورده های آن ویژه گی صنعت دکوراسیون مردم ترکمن صورت واضح روشن است و هنرمندانه کار گرفته شده است. در هنر قالین بافی تاریخ خلق ترکمن، ذوق هنری، زیبایی با ظرافت خاص بازتاب یافته است.

قالینهای ترکمنی از زمانه های دور تا به حال توجه محققان و دانشمندان و کلکسیونرهای علاقه مند را خوب جلب نموده و هنوز هم از شهرت خاصی برخوردار است. در مورد قالین ترکمنی بعد از مارکوپولو هم معلومات زیادی جمع آوری شده است. متأسفانه در اکثر کشور های اروپایی و آسیایی قالین های ترکمنی به نام، قالینهایی بخارایی معروفی شده است. این فکر و نامگذاری نا درست از آنجا ناشی شده که در سده های گذشته سوداگران قالین، قالین های ترکمنی را برای فروش به بازار های بخارا (وقتی بخارا مرکز مهم اقتصادی، تجاری و فرهنگی آسیای میانه بود) میبرند و بخاطریکه این قالین ها را سوداگران از بخارا خریداری میکردند ، بنا آنها را بنام ، بخارایی، معروفی مینمودند. علت دیگر هم این است که عده ای از ترکمنها در محدوده قلمرو

حاکمیت خانهای بخارا و خیوه زندگی میکردند و به قالین بافی مشغول بودند و فراورده های آنها در بازار های بخارا و خیوه به فروش میرسید.

فراورده های صنعت قالین بافی ترکمن عبارتند از: قالین، قالینچه، جوال، خورجین، توبه (برای نگهداری لباس و وسایل دیگر از آن استفاده میشود) پوش زین، بکس و غیره است. با این فراورده ها شتر، اسپ ها را تزین میکردند. از آنها همچنین برای تزین الچیقهها (قرالویها) و مجالس عروسی استفاده میشد.

عموماً قالین و فراورده های آن مربوط دوران عشیره ای و قبیلوی ترکمنها میباشد. لذا در نامگزاری قالینها و فراورده های آن از اسمی تیره ها و عشایر ترکمنهای آن عهد استفاده میشد. در حال حاضر اکثراً اسمی قالینها و فراورده های آن از دوران قدیم پا برجا مانده است. از سوی دیگر، اکنون قالینهای ترکمنی از جهت محل تولید نیز نامگزاری شده است، مثل: قالین مور (مرو) قالین آقچه ای، اندخویی، دولت آبادی، آلتی بولکی و خواجه روشنایی و غیره.

فصل دوم

ترکمن ها در پرتو سیاست و جامعه

الف: چالش های سیاسی و اجتماعی ترکمن ها در افغانستان

قبل از آغاز بحث روی چالش های سیاسی و اجتماعی ترکمن ها بپردازیم، بهتر خواهد بود برای تفهیم بیشتر به تعریف سیاست از نظر دانشمندان علوم سیاسی بپردازیم، سیاست یعنی هدف و آرمان های که یک طبقه اجتماعی در مبارزه برای تامین و حفظ منافع خود تعقیب می کند. ثانیاً روش ها و شیوه های که به کمک آنها این منافع حفظ شده یا به کرسی نشانده میشود. مهمترین مشکله سیاست در درجه اول عبارت است از امور مربوط به شرکت در کار ها و مسائل دولتی راه و رسم حکومت و کشور داری، تعین اشکال وظایف و محتوى فعالیت دولت است.

به عباره دیگر مقوله سیاست در درجه اول به مقوله دولت پیوستگی دارد. سیاست طبق تعریف لینن بیان متببور و متمرکز اقتصاد است تغییر و تکامل عقاید نظریات سیاسی و موسسات و نهاد های سیاسی و همچنین هدف گاه و

شیوه گاه سیاسی بر شالوده تغییر و رشد اقتصادی جامعه صورت میگیرد و سیاست به هیچ وجه منفعل و غیر فعال نیست نهاد ها و اندیشه های سیاسی که خود بر شالوده اقتصادی پدید میگردند. و به نوبه خویش تاثیر جدی بر تکامل اقتصادی میگزارند. لینن نقش فعال سیاسی را خاطر نشان ساخت و همیش تصريح میکرد که در مقابل همه مسائل اقتصادی سازمانی و اداری و غیره باید موضوع سیاسی داشت. عموماً سیاست به دو قسم تقسیم میشود سیاست داخلی و سیاست خارجی. مناسبات بین طبقات و بین ملت ها در داخل یک کشور جزی از سیاست داخلی است. مناسبات بین دولتها و بین خلق ها در صحنه بین المللی جزی از سیاست خارجی است.⁸ حالا یک بحثی میکنیم در مورد سیاست داخلی افغانستان و چالش های سیاسی ترکمن ها در حکومت حامد کرزی و اشرف غنی و برخورد تبعیضانه در قبال اقوام ترکمن.

زلمی خلیل زاد در کتاب خود تحت عنوان «فرستاده» در زمان ماموریت خود در افغانستان در باره ترکمن ها و اقلیت ها چنین بیان داشته. به هزاره ها همیشه شغل های سخت و پست میدادند در ارتش سربازان هزاره را در منازل افسران نظام به خدمت کاری می گماردند. هزاره ها در مدرسه من هم بودند و من می دیدم که برای پیشرفت محدودیت هایی دارند. البته در مورد ازبیکها و ترکمن ها و دیگر اقلیت های قومی، نیز با درجه ای کمتر وضع بر همین منوال بود. ازبک ها و ترکمن ها در دشت های شمال هر چقدر هم که مال و منال داشتند، در کابل به چشم آدمهای احمق به آنها نگاه می شد. در ارتش و

6 - نیک آذین، امیر، ⁸ واژه نامه سیاسی اجتماعی / ص. 122.

سیاست بالاترین درجات انحصاراً به پشتونها و تاجیکها تعلق داشت.⁹ اصل دموکراسی و برابری در افغانستان وجود نداشته است و ترکمن‌ها را به چشم حقارت می‌دیدند، اما ترکمن‌ها در حقیقت صاحب مال و منوط بودند که بیشتر در تجارت قالین و کشاورزی مصروف بودند. «سیاست کشور از دید خلیل زاد هم یک سیاست قومی و سمتی بوده است و ترکمن‌ها هم در فرایندهای سیاسی کشور سهیم نبودن اگر بودن هم برای مدت کوتاهی سمبولیک قرار داشته‌اند.

ما ترکمن‌ها قرن‌هاست که در این سرزمین زیسته‌ایم، و حکومت در مورد سیاست داخلی و حقوق شهروندی همیشه ناکام بوده و به حق این قوم جفاای بزرگ روا داشته است. ما همواره در روز‌های خوب و دشوار با سایر اقوام برادر همراه بوده و به همه آنان الفت و محبت داشته‌ایم؛ در همه گونه خدمات در راه سرفرازی ملت افغانستان سهم خود را ادا کرده و باز هم ادا میکنیم؛ با آنهم، با دریغ مورد بی لطفی قرار گرفته‌ایم؛ برای نمونه، با سازیزیر شدن ملیارد‌ها دالر به کشور، این مردم حق دار هرگز به نان و نوایی نرسیدند. توقع جوی آب را که نداشتند، جویی‌چه بی هم نصیب شان نگردید. نه تنها از سرک اسفالت خبری نشد، حتاً یک سرک هم برای شان جغل اندازی نگردید. هرگز زمامداران کلاه خود را پیش خود قاضی نساختند و از خود نپرسیدند که چرا در حق این مردم میهن دوست و پرکار، این همه جفا روا داشته شده است. آنان خوب میدانند که در درازای دو سه سده اخیر در مناطقی که ترکمن‌ها زندگی دارند، حتاً حد اکثر به ارزش 20 میلیون دالر، جهت رهایی این مردم از نابسامانی

⁹، زلمی، خلیل زاد، (1395). فرستاده. ص ۵۴ .

های گوناگون هزینه نگردیده است. و نیز آنان به چشم سر دیده اند که از مجموعه کمک های خارجی یک و نیم دهه گذشته، به این مردم صلح دوست هر کثر چنان مبلغ نا چیز هم اختصاص نیافت، که بتواند یکی از درد های اجتماعی آنان در درمان کند.

اگر کسی این حقیقت آشکار را نمی پزیرد (این گز است و این میدان). هزارن خانواده ترکمن، در اثر تخریب بستر دریای آمو، خانه و کاشانه خود را، که نسل به نسل برای شان به میراث رسیده بود و ده ها و هزاران جریب زمین زراعتی خود را، که از راه آن مایحتاج زندگی خود را تامین میکردند، از دست دادند و به بدیختی های فاجعه بار انسانی رو به رو گردیدند؛ مگر کسی هرگز به آنها اندک توجهی هم نکرد. از انکشاف متوازن و از مقرری کادر های جوان بر مبنای قانون و عدالت اجتماعی حاجت به باز کردن سخن نیست، که هرگز در کشور ما چنین معیار هایی در نظر گرفته نشده است و در آینده نیز اگر ، زیر کاسه نیم کاسه باشد، عملی نخواهد گردید. حتا ما شاهد آئیم، با وجود آنکه ماده 16 قانون اساسی کشور صراحة دارد،.... در مناطقی که اکثریت مردم به یکی از زبانهای اوزبکی، ترکمنی، پشه بی ، نورستانی، بلوچی و یا پامیری تکلم مینمایند آنها علاوه بر پشتو و دری به حیث زبان سوم رسمی میباشد و نحوه تطبیق آن توسط قانون تنظیم میگردد.

آیا از زمان تصویب آن تا به حال در رابطه به نحوه تطبیق این ماده کدام قانون و یا مقرره به تصویب رسیده است و یا کدام مبلغی در زمینه تطبیق این ماده قانون اساسی اختصاص یافته است؟ که ما باورمند تطبیق قانون در کشور

باشیم ! ۱۰ و در مناطقی که ترکمن ها سکونت دارند به تحصیل و تعلیم تربیه نمیتواند دسترسی پیدا کنند چون در حکومت های حامد کرزی و اشرف غنی بیشتر اراضی افغانستان که ترکمن نشین بودند هیچ توجهی صورت نمی گرفت حتی در اوایل حکومت حامد کرزی مکتب وجود نداشت اگر هم مکتبی وجود داشت توجه به مکاتب نبود. قابل ذکر است که در دوران اشرف غنی بیشتر مناطق ترکمن نشین نا امن و در جنگ بسر میبرد. در این قسمت نه دولت و نه رهبران که از آدرس ترکمن ها نماینده گی میکنند توجه داشتند. در ضمن ویرانی های مادی جنگ را میتوان تلافی کرد؛ اما آنچه را که مردم ما در نتیجه بحران های امنیتی چهار دهه گذشته در حیات معنوی خود از دست داده اند، به سادهگی اعاده نمیشود. دشمنی با مکتب و معارف عصری ریشه در تاریخ جامعه ما دارد. دشمنان مردم ما همواره از جهالت، نادانی و عقب ماندگی ذهنی افراد این کشور استفاده کرده اند. مقابله با تجدد خواهی امان الله خان، سوزاندن ساختمان صدها مکتب در اکثر نقاط مملکت و قتل استادان و معلمان از سوی مجاهدینی که در برابر حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان می جنگیدند، هیچ توجیه قانع کننده ای جز استفاده از جهالت افراد جامعه توسط دشمنان توسعه و سعادت مردم افغانستان ندارد. آنچه در سال های اخیر خیلی امید وار کننده به نظر میرسد، تغییر مثبت ذهنیت عامه نسبت به آموزش و تحصیل در لایه های مختلف جامعه است. ۱۷ سال پیش، پس از سقوط رژیم طالبان جهش عجیبی در مناطق مختلف کشور برای آموزش و تحصیل به مشاهده رسید. در مناطق دور از مراکز شهر ها نیز مردم از حکومت میخواستند

^{۱۰}- فرقین، نور محمد. سزاوار این نبودیم. ص 31 / 23

تا مناطق شان برای آموزش پسران و دختران آنها مکاتب جدید تأسیس کند. در آن سالها صدها مکتب ایجاد شد و هزاران دانش آموز به این مرکز های آموزشی شامل شدند.

فعالیت روز افزون مکتب های خصوصی و کورس های آموزشی در مراکز شهر ها نیز نشانه خوب شیفتگی مردم به امر آموزش فرزندان شان شمرده میشود. ما در ساحة معارف کشور گواه یک عقبگرد تحملی ناشی از جنگ بودیم. دشمنان مردم ما که آتش جنگ نیابتی را در کشور بر افروخته اند و از ایجاد افغانستان قوی و با ثبات هراس دارند، برای ضربه زدن به معارف و نظام تعلیمی و تحصیلی کشور تلاش میکنند.

متاسفانه باز هم جهالت و نادانی جنگجویانی که به حمایت دشمنان خارجی افغانستان در برابر مردم ما میجنگند مانند گذشته به اهمیت این مسئله آگاه نیستند و خود در تطبيق برنامه های شوم باداران شان پیشقدم اند. دولت افغانستان و حامیان بین المللی آن به این مسئله باید توجه داشته باشند که پیروزی جنگ در برابر تروریستان و گروه های متحجر و عقبگرد در جامعه نیاز به حمایت آگاهانه اجتماعی دارد و آگاهی اجتماعی فقط از طریق آموزش افراد اجتماع در مکاتب و آموزشگاه ها میسر خواهد بود. ما در کشور جنگ زده خود برای سال های دراز به حمایت اساسی از معارف نیاز داریم و راه نجات کشور از عقب ماندگی و رسیدن به توسعه از دهليز های مکاتب، آموزشگاه ها و دانشگاه ها میگذرد. دولت ما وظیفه دارد که نه تنها در کل کشور زمینه فعالیت مکتب ها و دانشگاه ها را مهیا کند، بلکه نیاز است تا در کار ارتقای کیفیت

آموزش مطابق به مطالبات عصر و زمان و تطبیق نصاب های مدرن تعلیمی و تحصیلی نیز توجه داشته باشد.

ب: موانع سهم گیری سیاسی ترکمن های افغانستان

آینده سیاسی ترکمن ها در این گرداب بازی های سیاسی (انتخابات پارلمانی، انتخابات ریاست جمهوری) مربوط نمیشود. به انتخاب اشخاص و افراد مدبر و تحصیل یافته و تخصص میباشد تا بتواند از هویت و حق و حقوق شان دفاع نماید؛ اما ترکمن های افغانستان از سهم گیری های سیاسی دور هستند و بودند و سهم گیری های اجتماعی نیز به دور رفتند. عوامل مختلف باعث شده که ترکمن ها سهم کیری سیاسی نداشته باشند، چند علل آن عبارت اند از:

1. تعصب و جاه طلبی اقوام دیگر نسبت به ترکمنها
2. رهبران، رهبری را در قوم ترکمن تک ساختن در این راستا هیچ یکی از افراد و اشخاصی را در به وجود آمدن به صحنه سیاسی و قدرت توسط خود ترکمن ها موانع ایجاد می نمود تا یک ترکمن با خرد کافی سیاسی به میدان درآید.
3. تحمیل اوزبیک ها به عنوان تبار ترک هیچ گاهی برای ترکمن ها در سیاست جای پا نگذاشتند و خود اوزبیک ها سهم دار همه چیز بودن به عنوان ترک تبار اما این یک جفاibi بزرگ برای قوم ترکمن بود.

یکی از دلایلی که افغانستان را دور از ترقی و پیشرفت های سیاسی، نظامی، اجتماعی، علمی دور نگهداشته و سبب گسترش آیده ها و نظریات قومگرایی، فرد گرایی، شخص گرایی و سمتگرایی گردیده، و دلیل واضح برای اختلافات

مذهبی، زبانی و نژادی در کشور گردیده، موانع بزرگی میان وحدت و همبستگی اقوام و تامین منافع علیایی کشور در تمامی بعد ها گردیده، حامی و دیوار سنگی مستحکمی از مردم و آیدیولوژی های قهرمان پرست و قهرمان ساز افسانوی و تخیلی قومی میان اقوام مختلف موجود در افغانستان شده است، همانا داشتن عقیده ها و باورمندی های غیر معقول و غیر مشروع گردانندگان سیاست و مجریان قدرت و جاه طلبان فاشیست سیاسی، امتیاز خواهان قومی تک تاز و متعصب، و برخورد های ناعادلانه، تصامیم غیر منطقی، غیر انسانی غیر اسلامی مدیریت مریض و ناسالم حاکمان دیروز افغانستان است.

حامد کرزی شخصیکه در دوران حاکمیت او 14 سال باران دالر در افغانستان بارید و بیشتر از چهل کشور جهان برای سرمایه گذاری و تامین امنیت لازم حمایت مالی و پولی در افغانستان کردند، تماماً شرایط و امکانات سرمایه گذاری، پیشرفت های نظامی، سیاسی و اجتماعی بیشتر از هر زمانی مهیا و مساعد شده بود، نتوانست استفاده مؤثر و منطقی داشته باشد؛ بر عکس حکومت فاسد، نا امن، ناکام و بی کفایت از خود میراث گذاشت. باندهای مافیایی ایجاد شد، دیدگاه ها در مورد ولايت های جنوب ثابت اما در مناطق ترکمن، اوزبیک و هزاره نشین در تفاوت بود، بعضاً ولايت مثل جوزجان بنابر نبود اراده واقعی خدمت گذاری از فواید و مزایای بودجه عادی و انکشافی محروم قرار داده میشد. وزیران مؤقتی و کوتاه مدت ترکمن ها با اخذ تعهد نامه های وفاداری و حفظ راز های سیاسی و تاریخی دولت تعیین و تقرر میشد،¹¹

11 سیرت، سیاوش، نقش ترکتباران (ترکمن ها) در مشارکت سیاسی افغانستان.
ص، 12، 13، 14

ترکمن های کنونی به خصوص نسل جوان به خوبی نقطه ضعف های خود و جامعه شان درک کردند، جوانان تحصیل کرده ترکمن بعد از حکومت موقت به خوبی توانستند وارد فضای باز شوند و از سواد و تکالوژی مدرن به وجه الزام خود را غنی بسازند. و طی سال های پسین تمام تلاش خود را متمرکز به یکی از این راه ها ساخته اند

کسانی بودند که تمرکز بیشتر را روی تجارت و صنعت قالین کردند که میتوان گفت در گسترش اقتصاد و تجارت کشور شان سهم فعال داشته اند.

۱. کسانی بودند که با همه چالش های سیاسی و ناهنجاری ها توانستند که در داخل و خارج کشور تحصیل کنند و با داریت و ظرفیت کامل علمی کم رحمت بخاطر گسترش علم و دانش و فرهنگ بینندند.

۲. برای ترکمن مهم نبود که از کدام قوم استند و در چه سطح قومی در کشور قرار دارند کوشیدند همه باهم برای بالابردن سطح دانش و ارتقای اقتصاد جامعه بکوشند.

۳. ترکمن های افغانستان کوشیدند با وجود اینکه در بطن بحران قرار داشتنند، در کارزار های انتخاباتی اشتراک گستردۀ داشته باشند و زعیم ملی خود را انتخاب کنند.

۴. امروز خوشبختانه بیشترین کدر های ماستر و دکتور را نسبت به سال های قبل قوم ترکمن در افغانستان دارد و در ادارات دولتی نسبتاً کمتر به چشم دیده میشود.

در همه برآیندهای تحول پسین قوم ترکمن کوشیدن تا به بلوغ فکری رسیده از دانش و پرورش خوبی بر خوردار باشند و بتوانند مدنی تر از قبل در میان اقوام دیگر زندگی کنند، اما شگاف‌های سیاسی و بحران‌های اجتماعی لحظه به لحظه به عقب میگذاشت و از رسیدن به بلوغ فکری و نفوذ در ادارات دولتی باز میداشت، مدیریت رهبران سنتی قوم ترکمن به عنوان نمایشی در کرسی های دولتی قابل استفاده قرار گرفتند و سد راه کدر های جوان به گونه های مختلف قرار گرفت، از اقوام که طی سال های اخیر به شدت مورد بی مهری و در معادلات سیاسی سهم کمرنگ داشته و سخت از حقوق شهروندی و تساوی حقوق در کشور محروم بوده قوم ترکمن بوده است. انزواه سیاسی فقر، محرومیت، تمرکز قدرت و دورافتادن از جغرافیای ارتباطات، از مهمترین نمونه های تاریخی ترکمن ها افغانستان است که چند دستگی افغانستان و فعالیت های تنظیمی و حزبی که رنگ قومی را به خود گرفته بود نتوانستند وارد دهليز باز سیاسی شوند و از حقوق سیاسی بر خوردار باشند.

معامله سیاسی با مهره های سوخته و یا رهبرچه های سمبلیک ترکمن کار ساده ای بود که حامد کرزی و اشرف غنی به دوام قدرتش جان بخشیده، مهر سکوت بر دهان رهبرچه ها گذاشت تا دلیل حضور سمبلیک قوم ترکمن در بدنه حکومت باشد تا توده جوان و الیت های سیاسی ترکمن به دلیل حضور نداشتن شان جنبشی را بر پا کنند، ولی این سهم دادن ها از سر ناگزیری ها بود. حضور سمبلیک بعضی از رهبرچه ها در دوران حکومت کرزی و غنی هیچ دردی از قوم ترکمن را دوا نکرد بلکه به گونه مرموزی دلیل عقب گرد اجتماعی این قوم شد، به گونه مثال از تخریبات سواحل دریای آمو میتوان نام

برد که ترکمن های ولسوالی کلدر و شورتیپه ولايت بلخ ولسوالی قرقين ولايت جوزجان... از سال ها به اين سو دريای آمو خانه، زمين هاي زراعتي اين قوم را به باد فنا ميبرد اما اين حکومت هاي متعصب هيج اقدام نداشته اند.

يك قدم به جلو فقر و محروميت ترکمن هاي اندخوي که حتی آب آشاميدنی ندارند، از ميليارد ها دالر که به افغانستان سازير شده هيج کمکی برای اين مردم ستم دیده نشده چالش هاي ولسوالی هاي پنج گانه آقچه يکی از نمونه هاي ديگر از محروميت قوم ترکمن است.

باز يك قدم به جلو استفاده ابزاری به عنوان تکت انتخاباتی بعضی از احزاب با حضور چند تن از مهره های ترکمن در پیکار های انتخاباتی با وعده های چرب اما پوچ و دور از تحقق يکی از چالش های بزرگ ترکمن های افغانستان بود. در نتيجه اگر دلایل و چرا های عقب افتیدگی ترکمن های افغانستان را شگافته و تحلیل کنیم در می یابیم که بزرگ ترین دلیل این قوم قرار نداشتن تحت یک سقف اتحاد و وحدت بوده میتواند، از دید من دلیل این همه عقب گرد های سیاسی تکيه به سیاست مداراني است که گفتیم سیاست مداران ما هرچه میکنند بکنند اما تاریخ همین گونه تحریر اش میکند.

ج: بعض خون ما را خواهد مکید.

قوم ترکمن همواره در مرض تبعیض قرار داشته است و از این ناحیه سخت ضربه دیده است، و اقوام دیگر همیشه این قوم را مظلوم جلوه داده استفاده سو می نمودند اما اینگار از گناه و فرموده رسول الله عاجز بودن. طبق فرموده رسول الله ^ص " که در مورد تبعیض بیان داشته است: أبو داود أَنَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا يَسْأَلُنَا مَنْ دَعَا إِلَى عَصَبَيَّةِ أَوْ مَنْ قَاتَلَ مِنْ أَجْلِ عَصَبَيَّةِ، أَوْ مَنْ مَاتَ مِنْ أَجْلِ عَصَبَيَّةِ " وفی حدیث آخر قال صلی الله علیه وسلم محذراً من العصبية " دعوها فإنها منتنة " ..رواه البخاری ومسلم¹². چون می فرماید کسی که از روی تعصب بمیرد از آن من نیست، یعنی در هر مواردی از دست تعصب بمیرد از جمله من نیست. بی تردید اساسی ترین پایه عبودیت و بندگی خدا، تسلیم و تواضع در برابر حق است و به عکس، هرگونه تعصب و لجاجت، مایه دوری از حق و محروم شدن از سعادت الهی است. اما باخاطر قدرت و جاه طلبی چی بی عدالتی و تبعیض را در حق این قوم روا داشته اند.

برای از میان برداشتن بسیاری از دیگراندیشان ترکمن در گذشته، تا آن جای که می توانستند مبارزه کردند؛ ولی اکثر خود با ناکامی رو به رو شدند و در زمان خود موفق نشدند ریشه ستم را از بیخ و بن برکنند؛ اما، همان ها خط فکری ایجاد کردند. خط فکری که امروز شخصی نیست که به عنوان صادقترین فرد ادامه دهنده آن خط، قد علم کرده باشد.

¹² حدیث شریف

از این خط ضد تبعیض و تمامیت خواهی، نه تنها، ترکمن‌ها، که هزاره‌ها، افغان‌ها و تاجیک‌ها هم باید حمایت کنند. در این خط فکری حقوق تمام گروه‌های قومی ساکن در افغانستان، منظور شده است. این خط فکری براساس گروه‌قومی، تفسیر نمی‌شود. این خط براساس استاد تاریخی و از همه مهمتر مفاهیم کلان انسانی که امروزه در تمام دنیا و نظام‌های دموکراتیک معمول و مرسوم است، بنا نهاده شده است. در این خط فکری حتی هموطنان عزیز، هندوستانی، نیز جایگاه انسانی و شهروندی خود را دارند. اگر نام افغانستان تبدیل به خراسان شود، در آن صورت همه گروه‌های قومی، به شمول اقلیت‌های دینی، خود را در آن آیینه تمام قد، مشاهده خواهند کرد. حتی اگر پیشنهاد تبدیل نوع نظام فعلی به حکومت فدرالی بود، تطبیق شود، باز هم کشور یک قدم رو به جلو رفته است. به خصوص که در آن صورت امنیت و تأمین امنیت محلی می‌شود و امتیازها و خسارات هم محلی است و ایالتی می

گردد.

د: سرکوب ترکمن ها

استبداد و سرکوب ترکمن ها از اوایل از طرف اقوام دیگر افغانستان به عنوان اقلیت قومی وجود داشت و همیشه توهین و تحقیر میشدند. و اوزبیک ها ترکمن ها را ترکتبار عنوان میکردند و می کنند و سهم بزرگ از جنبه های سیاسی اجتماعی از دونر ها به دست میاوردند در حکومت های حامد کرزی و اشرف غنی سهم بیشتری را اوزبیک ها از آدرس ترکتبار که گویا ترکمن ها هم ترکتبار اند، به دست می آورند.

ما این را انکار می کنیم که ترکمن ها ترکتبار نیستند و سوال این است که مؤلفه های تعیین کننده ترک تبار بودن ترکمن ها چیست؟ کدام ها اند؟ اگر ادعا دارید که تاریخ مشترک و زبان مشترک با هم داریم، در یک کلام، بباید و توضیح بدهند که از کدام تاریخ مشترک حرف می زنید. امپراطوری هایی که ترکمن ها در حوزه های سیاسی انجام داده اند و تاریخ سازی کرده اند، پس بهتر خواهد بود به پیدایش و پیشینه تاریخی ترکمن ها رجوع شود که از چه مدنیتی در منطقه بر خوردارد بودن و روشن شود که وجه مشترک ترکتبار بودن ترکمن ها در کجا است و چرا ترکمن ها را تنها در جغرافیایی همچون افغانستان ترکتبار می نامید، چرا در کشور های دیگر مهر ترکتبار بودن برای ترکمن ها زده نشده است.

جای تاسف اینجاست که نمیتوانند حضور ترکمن ها را در سطوح بالاتر تحمل نمایند. بر این اساس از ترکمن ها به عنوان ابزار فزیکی استفاده میشود. ترکمن ها تنها ابزار فزیکی هستند که مورد استعمال حکومت ها و دولت ها قرار گرفته

است. و برای اوزبیک های افغانستان یک فرصت خوبی بود که از این واژه استفاده کرده، سهم ترکمن ها را به عنوان ترکتبار بلعیدند. دولت برای ترکمن ها حتا اجازه ایجاد یک حزب سیاسی نداده و تمام احزاب که توسط ترکمن ها ایجاد شده را فاقد صلاحیت های سیاسی دانست. دولت در کنار تمام موارد هنوز ترس از این دارد که ترکمن ها دوباره سر بلند نموده و به قدرت برسند و به آنها در آینده بلای جان شان شوند بر این اساس ها و ترکمن ها باید خود شان متوجه این موارد شده و با تلاش و سر سختی بتوانند قدرت گذشته را بدست بیاورند و جایگاه خویش را در جامعه پیدا نموده و حضور موثر داشته باشند^{۱۳}

¹³ سیرت، سیاوش، نقش ترکتباران (ترکمن ها) در مشارکت سیاسی افغانستان. ص، ۱۴، ۱۵،

ج : نا برابری اجتماعی

مساویات یا برابری افراد همیشه از آرمان‌ها و هدف‌های بشری بوده است. تا قبل از پیدایش مارکسیسم و هم‌اکنون نظریات گوناکون، برابری را به معنایی فقط مساویات در صوری همه افراد در مقابل قانون می‌دانند و به اساس مسئله یعنی عدم تساوی طبقاتی که زاینده همه نا برابری‌ها و بیداد گری هاست، توجه نمی‌کنند. مارکسیسم و لینینیسم تمامی برابری واقعی را جز از راه الغای طبقات امکان پذیر نمیداند. تا وقتی تضاد طبقاتی، اختلاف طبقات و اصول طبقات موجود باشد، هر قدر هم قوانین همه جانبه تدوین شوند و افراد در مقابل آن مساوی اعلام گردند برابری واقعی به دست نخواهد آمد. تساوی گری (یا هموار طلبی) به معنای آنکه تمام مردم از نظر مالکیت شخصی مساوی باشند نیز اساس مسله را حل نمی‌کند.¹⁴.

در حقیقت ترکمن‌های افغانستان در زمان حکومت حامد کرزی و اشرف غنی مورد بی‌حرمتی بیشتر قرار گرفته‌اند، نظر به تعاریف فوق اصل برابری بین اقوام در افغانستان صورت نگرفته است. تعصبات قومی، نژادی و منطقی دامنگیر این قوم بوده است. ترکمن‌های افغانستان به دلیل سهیم بودن در رشد اقتصاد کشور باز هم به چشم اقلیت و حقارت دیده می‌شد و همیشه قربانی تبعیضات قومی بودند. در دوران حکومت اشرف غنی اصل پشتونیزم و تاجکیزم به اوج خود رسیده بود، صاحبان قدرت بیشتر پشتون‌ها و تاجک‌ها بودند و به این موضوع افتخار داشتند اما اقوام دیگر از این مسله مبرا بودند.

¹⁴ نیک آئین، واژه نامه سیاسی اجتماعی، ص 85

زلمی خلیل زاد در کتاب خود تحت عنوان «فرستاده» در زمان ماموریت خویش در افغانستان در مورد بی عدالتی و تبعیض جنسیتی و قومی چنین نگاشته است. زمانی که من به بی عدالتی های دور و بر خودم از یک منظر سیاسی تر نگاه میکردم، از سرعت اصلاحات شاه احساس نارضایتی میکردم. من از تبعیض جنسی ای که در افغانستان حاکم بود، آگاه بودم، اما تنها در کابل بود که به شکاف عمیق قومی کشور پی بردم. افغانستان چند قومیت اصلی و چند قومیت فرعی داشت که پشتونها و تاجیکها در میان آنها غالب بودند.^{۱۵} این مسله بر غالب بودن تبعیض قومی در جغرافیایی همچون افغانستان روایت دارد که در زمان حکومت حامد کرزی و اشرف غنی به اوج خود رسیده بود و ترکمن ها هم همیشه قربانی این پدیده میشدند.

در ضمن احزاب رول اساسی را در تعیین سرنوشت شهروندان بازی میکند در اصل حزب عبارت است از یک سازمان سیاسی که در آن همفکران و طرفداران یک آرمان دوطلبانه بخاطر منافع یک طبقه یا اقسام اجتماعی متعدد المنافع گرد هم میایند، بینانگر منافع آن طبقه یا قشر بوده و آن را در مبارزات اجتماعی رهبری می نمایند.^{۱۶}

احزاب سیاسی که خود را مدافعان منافع ملی و حقوق شهروندان میدانستند و شعار های اصل برابری سر میدادند، در حقیقت عوام فربی و دروغ محض بود. ازیک ها، تاجک ها، پشتون ها، و اقوام دیگر احزابی برای قوم و یا قشر خویش ایجاد کرده بودند که همه مدافعان حقوق فامیل و اقوام خویش بودند، حکومت

^{۱۵}، زلمی خلیل زاد/۱۳۹۵، ص ۵۳ فرستاده

^{۱۶} واژه نامه سیاسی اجتماعی/ امیر نیک آبین ص ۸۵/۸۶

هم توجه بهتر با پرداخت هزینه بیشتر روی رهبران احزاب داشتند. اما قوم ترکمن عاری از داشتن حزب قومی همانند اقوام دیگر محروم از هر نوع امتیازات سیاسی اجتماعی بودند و همه روزه تبعیض خون این ملیت را می مکید.

بیان اظهاراتی ناشی از تعصب و تبعیض است که ما ملت را به خطر، هم گسستی و تجزیه مواجه ساخته است. هر جامعه که حاکمان آن، برتری جویی قومی را با اشکال مختلف و حیله های رنگ به کار بندند، عاقبت اش تباہی است، همانگونه که بنابر روایات قرآنی فرعون و قومش به تباہی و نابودی رفتند. او نخستین کسی بود که تبعیض ورزید و به قول قران مجید مردمان را به گروه ها تقسیم کرد و قومی را به قومی رجحان بخشید و بر قومی ستم فراوان روا داشت. سر انجام کارش بربادی و سیاه رویی هر دو جهان بود. پایان کار هر فرمان روا و حاکمی که پایه قدرت را بر برتری جویی قومی و تفرقه افغاندن میان اقوام بگزارد عاقبت اش همین است.

البته ما ترکمن های افغانستان هیچگونه گله و کدورتی نسبت به هیچ یکی از اقوام و ملیت های با هم برادر در این کشور ندایم؛ هر چند در دوره های پیش از دهه دموکراسی معروض به تبعیض هایی بودیم. اما امروز هم در کشور ما بسیاری از سیاستمداران از گرفتن نام ترکمن ها که پنجمین قوم کشور ما استند ابا می ورزند و تلاش دارند تا نقش آنان را در تاریخ کشور نا دیده بگیرند؛ اما به آنها میگوییم: ما از ترکمن بودن مان احساس غرور میکنیم. ما ترکتبار هم نیستیم. ما فرزندان آن خلقیم که زمانی پایتخت های با عظمت ما در غزنی و بلخ بر پا بود. ما فرزندان آن مردان با شهامتی هستیم که در پهناهی تاریخ بیشتر از هفتاد دلت را، اعم از امپراتوری ها، نظام های سلطنتی، امیرنشینی

ها، نظام خان خانی و بیک نشینی در این گستره بزرگ تاسیس کرده اند؛ و فرزندان آن مردان با شهامتی هستیم که کشور زیبایی مانند افغانستان را به ما به میراث گذاشته اند. امپراطوری ها و سلسله های سلطنتی که ترکمن ها تاسیس کرده اند، خدمات بزرگی به این ملت در عرصه های گوناگون انجام داده اند. از سلطان محمود غزنوی تا سلطان سنجر، الپ ارسلان و ملک شاه و دیگر شاهنشاهان ترکمن پیشوavn گسترش فرهنگ و تمدن خراسانی بوده اند. نه تنها از بزرگانی چون امام غزالی حمایت کرده اند بل که آزاد اندیشی چون حکیم عمر خیام نیز در دوره حکم روایی آنها با آزادی خاص فکری میزیستند. حضور صد ها دانشمند و ادیب ئ شاعر و فلیسوف و هنر مند در عهد فرمان روایی های ایشان در برگ های زرین تاریخ ثبت است. شهکارهای علمی، فلسفی، ادبی و هنری این دوره ها امروز هم مایه حیرت و تحسین همکان است.¹⁷

آنها بیکه در افغانستان سهمی در قدرت دارند و خود را صاحب قدرت میدانند، عموماً توجه خویش را به سیاست خارجی افغانستان معطوف کرده اند و تلاش مینمایند که از طریق پیشبرد سیاست فعال خارجی (البته به زعم خود شان) مشکل افغانستان را به نفع شخصی، گروهی و قومی شان حل و فصل نمایند. اکثراً با برقراری ارتباط با سردمداران کشورهای خارجی، سفارت خانه ها مقیم کابل، تلاش میورزند تا بنابر برداشت های شان منافع شخصی و بعض منافع قومی شان را تضمین نمایند. حتاً دیده شده که یک کارمند عادی یک سفارت خانه (در سطح سکرتر) نیز توانسته است شخصیت های کشور مان را به تار

¹⁷ فرقین، نور محمد. سزاواز این نبودیم. ص 31/30

خام بسته کند، و چنانکه آرزو دارد او را مصروف نگاه دارد، در حالیکه برای کشور های جنگ زده جهان سوم از جمله افغانستان در پهلوی تعقیب یک سیاست خارجی، که بر مبنای منافع ملی کشور استوار باشد، مساله داخلی و مردم آن مهم تر میباشد؛ زیرا مردم افغانستان و اقوام با هم برادر هستند که جان های شیرین شان را بخاطر وطن فدا میکنند و خون شان را می ریزند.

آنها اند که هر آنچه را که لازم است به منظور دفاع از وطن و منافع افغانستان، شکل دهند. بدیختانه اند که ترین توجیهی به مردم افغانستان و اقوام با هم برادر صورت نگرفت و راه حل های جستجو نشد که آنان چه از نگاه حقوق شهروندی و چه از نگاه هویت قومی و ملی خود را در امن و برابر با یک دیگر احساس کنند. هم اکنون هیچ گونه تضمین معیشتی، شغلی و حتا امنیتی ندارند و زندگی شان با گذشت زمان بد تر و بدتر شده میرود.¹⁸

البته نظام و حکومت داری افغانستان با تعصبات قومی گره خورده و همین مرض سرطان را مخالف پیشرفت ها و شایسته سalarی در جفرافیای همچون افغانستان شده از سنت گرای، زور گوی گرفته تا قومندان پروری مناطق. ایجاد و پرورش این همه امراض در کشور توسط بعضی از فاشیست ها که حلقه غلامی را زیب گردن شان دانسته اند پرورش می شوند. و به عنوان این و آن وارد روند سیاسی کشور شده، بحران ایجاد میکنند در حقیقت باداران شان حرفى از قانون مداری میزنند اما این را قبول نمیکنند که نخستین ناقص قانون خود ایشان اند. هوس های تعصی ایشان را میدار تا بازیچه دست هوس های بی بنیاد و معرض بیگانه گان شوند. بحث اینجا است که چرا سردمداران و

¹⁸ سزاوار این نبودیم / نور محمد قرقین / ص 24

رهبران کشور اسلامیت و انسانیت را جا گزین تعصبات قومی نمیکنند در اصل دین اسلام که نماد از رستگاری و پیروزی است و اسلام درس همدیگر پزیری و از خود گزری می آموزد در اولویت کارهای اجتماعی و سیاسی خود قرار نمیدهند چرا بخاطر انسانیت مبارزه نمیکنند و نمیکنیم تا بتوانیم انسانیت را حقیقت بخشیم.^{۱۹}

امروز نظامی که زور را آسانترین و بی درد سر ترین وسیله برای تحقق اهداف میداند، این را باید ازعان کرد که در قانون شفاهی ما زور صاحب حق است و در عرف اجتماعی ما سیاست به معنی قهر و غلبه استعمال میشود. اگر کسی فلان شخص را مورد خشم قرار دهد میگویند (سیاست) کرد، اگر طرف اصلاح طلب باشد میگویند که انقلابی است، در مطالعه تاریخ در جغرافیایی چون افغانستان بیشتر صفحات تاریخ به زور مندان تخصیص یافته است.

در کشمکش های سیاسی همین که دیدیم کفه ترازو یکطرفه شد، در کنار پیروز می ایستیم و برایش شعار میدهیم و گلو پاره میکنیم، همان طوریکه در بازی های ورزشی کف میزنیم، این چه سر زمین عجایب و غرایب است «در اینجا انسان با انسان در جنگ است و حیوان با حیوان، جنگی که اشکال و صورت های مختلفی به خود میگیرد. ظاهر پرستی عادت مان شده، از ملک و خان و ارباب بت میسازیم، اگر در حزب سیاسی باشیم از زعیم و اگر در جبهه جنگ باشیم هر قدر فرمانده ما وحشی و زور گو و دیوانه بود مورد احترام قرار میدهیم.

^{۱۹} نظر نویسنده

در این سر زمین افتخار به اصل و نسب عادت دیگر ما است. اگر ستاره هر حزب و ارگان هتلری درخشیدن گرفت، نسب خود را به او منسوب میدهیم. بینظمی خصوصیت دیگر ما است، ما در هیچ کار خود نظم را مراعات نمی کنیم، از قانون بد ما می آید و آزادی را مرادف یاغیگری میدانیم، ظاهر پرستی و اعتنا به قشر که روی دیگر سکه نفاق است، عرصه های مختلف ما را رنگ بخشیده، افراد را بر اساس ظاهر شان می شناسیم. داشتن فرش قیمتی و وسایل گرانبها و همچشمی های اجتماعی شرم آور و دعوتهای مجللی که با سطح زندگانی ما تناسب ندارد، از جمله ویژگیهای است که ما را از سایر کشورها جدا میسازد. هم در آزادی خواهی و هم در مزدوری مبالغه میکنیم، اگر با روسیه دوستی کردیم، عشق با روسها را معیار افغانیت میدانیم، همانطور که یکی از شخصیتهای سیاسی ما گفته بود اگر شعار اخوت اسلامی را بلند کردیم طوق غلامی همسایگان را زیب گردن خویش میسازیم و اگر با امریکا دوستی نمودیم، بزرگان مان در کمره های تلویزیون جهانی اعلام میکنند که نمیخواهد بر کشورش بر گردد، زیرا دلش میخواهد در امریکا بماند . اینجاست که اقلیت ها و کسانی که زور و قدرت ندارند، همیشه زیر پا میشوند و در صحنه سیاست جای برای شان نیست. این موضوع در هیچ قاموسی از برابری و دموکراسی نیست.

د: عوامل موافع اکتشاف اجتماعی ترکمن‌ها

یکبار بهتر خواهد بود ترکمن‌ها به افتخارات و شخصیت‌های خود از آئینه اجتماعی - فرهنگی بنگرند. ما چنان شخصیت‌های وافر به علم و فرهیخته داشته‌ایم و داریم که همه شان در انزوا هستند و سعی می‌شود به نحوی در انزوا قرار بگیرند. یک بار هم شده، فراتر از کسانیکه در احزاب جنبش و جمعیت فعالیت داشتند بنگرید و با خود قضاوت کنید که آیا هر کدام اونها یکی بهتر از دیگری نبودند . و حقا که هر یک از این شخصیت‌ها قابل قدر و حمایت استند.

در حال حاضر هر حرکت اجتماعی نیازمند مدیریت و ساختار زمانبندی دارد، چون ساختار‌ها به عنوان اصل پذیرفته می‌شود. در راستای مطرح شدن رهبریت، ترکمن‌های افغانستان بخاطر بسیج مردمی، اجتماعی و سیاسی خویش که کتله بزرگ قومی را در افغانستان تشکیل میدهد تا به حال نتوانستند یک رهبر یا زعیم در افغانستان شکل بدهند تا به عنوان الگو و زعیم خود قبول کنند. ترکمن‌های افغانستان همیشه بخاطر اختلافات داخلی و یا با مداخلات احزاب دیگر از داشتن رهبر محروم بودند.

۱- اقتصاد ضعیف، یکی از عوامل عمدۀ عقب گرد سیاسی - اجتماعی ترکمن‌ها اقتصاد ضعیف بوده و تا به حال هم در اکثر مناطق ترکمن نشین ترکمن‌ها بخاطر عدم توجه حکومت با این پدیده دست و پنجه نرم می‌کنند..

۲- گریز از تعلیم و تربیه، علم و معرفت؛ به علت نداشتن اقتصاد و رهبر مناسب و عدم توجه دولت زمینه تحصیل و تعلیم و تربیه بین آنها به حاشیه کشانیده شده است.

۳- انتخاب غلط، هر انچه که امروز به سر اقوام ترکمن آمده، از زاده های خود شان میباشد. این انتخاب خود شان بود که همیش در موضوع انتخابات و یا رهبریت تحت تاثیر اعضايی حزب دیگر رفتند و خود را غرق در انحصار قرار دادند. این بزرگترین اشتباه تاریخی شان بود که بار ها تکرار میشد، و در مقابل تمام تحمیلات اجبار سکوت اختیار نمودند.

۴- محدودیت های تنگ شدن ساحه دولتی برای کادر های ترکمن ، مهاجرت ها و بیکاری و بیجا شدگان بیشتر از هر زمانی غافلگیر کننده بود .

فصل سوم

نقش ترکمن ها در مشارکت سیاسی و احزاب

الف : نقش قوم ترکمن ها در مشارکت سیاسی در افغانستان

در حقیقت قوم ترکمن کدام رهبر مشخصی تا به حال نداشته و عموماً در دیگر احزاب فعالیت نموده اند و یا هم کوشیده اند مستقل عمل کنند. بنابراین که جایگاه ترکمن ها را در مشارکت های سیاسی و ملت سازی مورد بررسی بدهیم، چند نکته ای در اینجا قابل ذکر است.

فعالیت های ترکمن ها (شورای همبستگی اسلامی ترکمن های افغانستان)

ترکمنهای افغانستان کدام حزب مشخص ندارند. عده کثیر از ترکمنها در سایر احزاب اشتراک دارند، حتی میتوان اکثر ترکمن ها در حزب هایی چون حزب

جمعیت اسلامی و جنبش اسلامی به عنوان عضو فعال دریافت، که در بحث بعدی مورد بررسی قرار خواهیم داد. غرض حل مشکلات، شورایی دارند که بنام (شورای همبستگی اسلامی ترکمنهای افغانستان) یاد میگردند. این شورا در حقیقت محل برگزاری تجمعات و نشست های مردمی برای حل مشکلات مردم بود. از حقیقت نگذریم شورای ترکمن های افغانستان در زمان انتخابات های ریاست جمهوری بیشتر بازار گرم داشت، اکثر تکت های انتخاباتی بخارط اخذ رای این ملت مظلوم گرد هم میامندند و به وعده های گرم و نرم تکت های انتخاباتی باور میکردند. قابل ذکر است گاهی اوقات نمی توانستند بعد از برنده شدن تکت انتخاباتی شان صاحب کرسی شوند، و اگر هم میشدند، چند تن از نزدیکان رئیس و یا از نزدیکان وکیلان یا سناتوران مقرر میشدند. اما آهسته آهسته ترکمن ها از شورای همبستگی اسلامی دوری جستند بخارط بعضی دلایل، بیشتر ترکمن ها ریاست شورای همبستگی اسلامی ترکمن ها را دوره ای یعنی ولایتی ساختند.

برعلاوه این شورا و خارج از محدوده این شورا چند نهادهای اجتماعی نیز تشکل یافته که در عرصه اجتماعی و مدنی فعالیت داشته اند، اکثر جوانان این نهاد ها جوانان نخبه و تحصیل کرده ای بودند و بخارط گسترش فرهنگ و زبان شان زیاد تلاش به خرج میدادند. مجلات ماهوار و کورس های آموزشی در اولویت برنامه های شان بود تا حدی حس خدمت گزاری داشتند. حقا که احساس و درک شان قابل ستایش بود. نهاد هایی که فعالیت داشتند حتی میتوان گفت تا به حال هم فعالیت دارند ذیلًا ذکر میگردد.

1. انجمن فرهنگی ترکمنهای افغانستان بنام مخدوم قلی فراغی،

2. انجمن فرهنگی و اجتماعی آق یول،
3. مجمع مدنی آق یول،
4. انجمن فرهنگی اوغوزلار،
5. انجمن فرهنگی عالم غوشار،
6. انجمن اجتماعی - فرهنگی یورت،
7. انجمن جیحون،
8. انجمن یوپیک یولی،
9. انجمن زنان ترکمن

ترکمنهای افغانستان به نسبت فقدان رهبری و مرکزیت نتوانسته اند در جامعه افغانستان ممثل طرحهای سیاسی و اجتماعی گردند. عده کثیر از ترکمنها در تحت رهبری حزب جنبش ملی فعالیت دارند و سده ها در این صفت فعالیت داشته حتی جان های شیرین خود را از دست دادند که تمام افتخارات این ملیت در حزب جنبش ملی محدود گردیده است. در بسا موارد حزب جنبش از این ملیت سرباز گیری می نماید که آنها اعضای آن حزب نیستند. اما عده قلیل ترکمن ها در حزب جمعیت فعالیت داشته اند که در بحث بعدی به آنها خواهم پرداخت.

جمعیت اسلامی افغانستان

اگر به پیشینه حزب جمعیت اسلامی نگاه کنیم، جمعیت اسلامی از جمله احزاب بنیاد گرای اسلامی و میانه رو بوده که اعضای آن از بین علمای دینی، تحصیل کرده گان مدارس و دانشگاه های دولتی واژ فرق صوفی دری زبان یا به طور عامیانه تاجکان تشکیل شد. نفوذ جمعیت اسلامی بیشتر در بین تاجیک های نزدیک کابل و غرب کشور است.

اما دکتور محمد صدیق فرهنگ در مورد کیفیت پیدایش حزب جمعیت اسلامی می نویسید : اما قوی ترین حرکتی در این حزب به میان آمد و در تاریخ کشور نقش موثر به جا گذاشت، نهضت اسلامی بود که آن هم بعد ها به چند شعبه با نام های جداگانه تقسیم شد. این حرکت بار اول در دوره ای صدارت شاه محمود خان از جانب مولوی صاحب قلعه بند در زیر عنوان تحزب الله به راه افتاد و پس از یک دوره در سال 1964 دوباره به نام جمعیت اسلامی افغانستان ظهرور نمود. رهبران جمعیت بیشتر از استادان دانشکده شرعیات تشکیل شده بودند، مانند مولوی نیازی، استاد برهان الدین ربانی، استاد سیاف، مولانا منهاج الدین گهیخ، موسس جریده گهیخ، مولوی محمد یونس خالص و مولوی فیضانی و قاضی هدایت نیز از فعالان این حرکت بودند. بنیانگذاران حزب نخست در دانشگاه به کار پرداخته و محصلان را در برابر حرکات مارکسیستی خلق و پرچم و شعله جاوید بسیج کردند. پس از آن تبلیغات شان را در خارج دانشگاه و در اطراف واکناف کشور گسترش دادند. به طوری که خواهیم دید رهبری حرکت ضد کمونیستی را چه در دوره قانون اساسی و چه

در دوره ای جمهوری محمد داود خان به عهده گرفتند و بعد ها در جهاد علیه تهاجم شوروی نقش اساسی ایفا نمودند.

این حزب بعد از انشعاب، یک شاخه ای آن تحت همین عنوان به رهبری پروفیسور ربانی به حیات ادامه داد. در این انشعاب مسئله قومی و زبانی بی تاثیر نبوده است. شاخه ای ربانی بیشتر به قوم تاجیک دری زبان تعلق دارد. این تحزب بعد از سقوط حکومت کمونیستی، وبعد از اینکه آقای ربانی به عنوان ریس دولت موقت تعیین شد، نقش زیادی در تحولات افغانستان داشته است. ربانی در سال 1940م، 1319 هـ در یافتل بدخشنان به دنیا آمد. دوره های مقدماتی را در مکاتب داخل کشور و دوره های عالی را در ترکیه والازهر مصر به پایان رسانید، در دانشگاه کابل در رشته الهیات تدریس کرده است.

جمعیت اسلامی نسبت به سایر ویژگی های بیشتر برای مطرح شدن و حمایت کشورهای خارجی داشت. در صحنه ای داخلی نیز ویژگی هایی داشت که همین ویژگی ها باعث گردید که این حزب بیشتر از دیگران در بین تمامی اقسام ملت طرفدارانی به خود پیداکند و فرماندهان نام آوری چون شهید عبدالقادر، شهید ذبیح الله، احمد شاه مسعود، طارق، اسماعیل خان، شهید نیک محمد خان هزاره وغیره را به وجود آورد تشکیلات جمعیت باعث می شود که شخصیت های برجسته جهادی ظهور کند. یکی از نخستین قیام های مهم ضد حکومت کمونیستی تره کی که به شدت سرکوب شد، قیام مردم هرات در 14 حوت 1357 بود که جمعیت اسلامی در سازماندهی آن نقش اساسی داشت. در همان مبارزه مسلحانه با کمونیست ها واشغالگران شوروی، به دو جناح تقسیم شد: جناح سیاسی با کمک های محدود به عملیات نظامی به

رهبری برهان الدین ربانی، وجناح – سیاسی به رهبری احمدشاه مسعود که داخل کشور و به نام «شورای نظار» می‌کرد.

در سال 1367، احزاب جهادی مستقر در پشاور، با حمایت پاکستان و امریکا و عربستان سعودی دو دولت موقت تشکیل دادند. در 29 سنبله همان سال، در دولت تبعیدی اول به سرپرستی احمد شاه احمد زی، فقط دو وزارت داخله (کشور) تعلیم و تربیت و در دولت موقت دوم در 4 حوت به ریاست صبغت الله مجددی سه وزارت اعمار مجدد معادن و صنایع و دعوت وارشاد به جمیعت اسلامی تعلق گرفت در 19 قوس 1369 به ابتکار احمد شاه مسعود، شورای سراسری فرماندهان جهادی با حضور ده ها تن از زبده ترین فرماندهان جهادی کشور تشکیل شد. پس از آن، حملات مجاهدین با موفقیت همرا شد و سرانجام، حکومت کمونیستی افغانستان سقوط کرد.

پس از سقوط حکومت کمونیستی در 8 اسد 1371، طبق توافق سران مجاهدین در پشاور، دو دوره حکومت موقت در نظر گرفته شد: حکومت موقت اول به مدت دو ماه به ریاست مجددی و حکومت موقت دوم به مدت چهار ماه به ریاست برهان الدین ربانی و صدارت گلبد الدین حکمیتار در خلال این شش ماه باید زمینه انتخابات سراسری فراهم می‌شد. بر این اساس، در دولت موقت مجددی، ربانی ریس شورای رهبری و احمد شاه مسعود وزیر دفاع شد و دو وزارت هوانوردی و اطلاعات و فرهنگ به جمیعت اسلامی تعلق گرفت. بر اساس توافق پشاور، دوره دوماhe ریاست مجددی به پایان رسید و او قدرت را به شورای رهبری سپرد و ربانی قدرت را به مدت چهار ماه به دست گرفت که بعدها 45 روز تمدید شد. شورای حل و عقد که با تلاش ربانی و حامیانش

تشکیل شده بود، ربانی را برای دو سال دیگر تا 1373 در مقام ریاست جمهوری تمدید کرد. پس از پایان این مدت، ربانی با پشت سرگذاشتن برخی وقایع (درگیری خونین با حزب اسلامی برخی دیگر از احزاب به ویژه در کابل، ظهور طالبان، کشته شدن احمدشاه مسعود، حادثه 11 سپتامبر 2001 و سقوط طالبان از قدرت در 1380 تا تشکیل دولت انتقالی حامد کرزی در اوخر نیمه دوم 1380 همچنان ریاست و اداره کشور را بر عهده داشت و به ویژه در دوره حاکمیت طالبان، نیروهای جمعیت اسلامی به فرماندهی احمدشاه مسعود عمده ترین نیروهای مقاومت در برابر طالبان بودند. طبق موافقت نامه بن که ایجاد دولت موقت را تصویب کرده بود، جمعیت اسلامی وزارت مهم از جمله وزارت دفاع و خارجه و چند معاونیت و سمت های مهم را در دست گرفت. در اول 1380 نیز برهان الدین ربانی به دولت 9 ساله خود پایان داد و زمام امور را به حامد کرزی سپرد. اعضای جمعیت اسلامی در لویه جرگه (مجلس بزرگان) اضطراری حضوری وسیع داشتند و در دولت 18 ماه انتقالی اسلامی پس از لویه جرگه نیز سمت ها وزارت مهم (وزارت دفاع، خارجه و چند وزارت دیگر) و معاونیت ها و بسیاری سفارت های افغانستان در خارج را از آن خود کردند.²⁰.

جمعیت اسلامی افزون بر فعالیت های سیاسی، فعالیت های فرهنگی هم داشته و نشریات متعددی به زبان های مختلف در داخل و خارج کشور منتشر کرده است که مشار انباهه بیش از 50 عنوان می رسد و برخی از آنها همچنان منتشر

²⁰ سیرت، سیاوش، نقش ترکتباران (ترکمن ها) در مشارکت سیاسی افغانستان. ص، 14،

می شوند. پس از ریاست جمهوری حامد کرزی دو حزب از جمعیت اسلامی منشعب شدند: نهضت ملی افغانستان به رهبری احمد ولی مسعود و افغانستان نوین به رهبری محمد یونس قانونی و بعد از ترور ربانی پرسش صلاح الدین ربانی به ریاست حزب برگزیده شد²¹. باید خاطر نشان کرد که بعضی از بزرگان ترکمن های افغانستان در بدنه حزب جمعیت اسلامی به عنوان اعضا یی کلیدی این حزب فعالیت داشته و به طور موقت در بست های کلیدی دولت ایفا یی وظیفه می نمودند. و سهم و امتیاز قابل ملاحظه ای را هم داشتند. در کل میتوان گفت این امیتاز دهی ها بخاطر اخذ رای این ملت مظلوم و یا بخاطر اینکه بیان کنند که حزب جمعیت یک حزب همه شمول است و یا میتوان گفت که از روی معرفت شخصی بود.

²¹ سیرت، سیاوش، نقش ترکتباران در مشارکت سیاسی افغانستان. تهران، 15، 16، ص

ج: جنبش ملی اسلامی افغانستان

حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان یکی از پر طرف دار ترین حزبی بود که ترکمن های افغانستان همه دار و ندار خود را فدای این حزب کردند. این حزب به قوم اوزبیک شمال کشور متعلق می باشد. حزب جنبش بعد از آنکه رهبران آن از ارتش حکومت کمونیستی جدا شده و به مجاهدین پیوستند، تاسیس شد که البته در این حزب در کنار اوزبیک ها اقوام دیگر از صفات شمال از جمله از مردم هزاره نیز در سطح بسیار وسیع در حزب جنبش عضویت داشتند.

نیروهای جنبش در بهار 1371 مزار شریف را به تصرف در آورده و کمی بعد همراه با دیگر گروه های مجاهدین وارد کابل شده، حکومت دکتر نجیب الله را سرنگون و فرودگاه کابل را تحت تصرف خود در آوردند. پس از آن گروه های نظامی مختلف مجاهدین هر یک گوشه از شهر کابل را اشغال کرده بودند و به جنگ با یکدیگر مشغول شدند. جنبش ملی اسلامی ابتدا متحد جمعیت اسلامی افغانستان (به رهبری برhan الدین ربانی و مسعود) بود اما کمی بعد از آنها جدا شده و مدتی هم با حزب اسلامی گلبدین حکمتیار متحد شد، اما در نهایت هر دو گروه از حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان روی گردانیدند، زیرا مخالف این بودند که ازبکان در افغانستان به قدرت برسند. نیروهای جنبش در زمستان 1371 در جنگ با نیروی های جمعیت اسلامی موضع خود در کابل را از دست دادند، اما با تصرف مزار شریف بخش های بزرگی از شمال افغانستان را در کنترول خود در آورده، جنبش ملی تابستان 1377 مزار شریف را در کنترول خود داشت تا اینکه نیروهای طالبان موفق به تصرف آن شدند، جنبش ملی به رهبری جنرال دوستم پس از این شکست به ائتلاف شمال به رهبری

احمد شاه مسعود برای مقابله با طالبان پیوسته و دوباره با جمیعت اسلامی افغانستان متعدد شدند. جنبشی ها از نیرومندترین گروه های ایتلاف محسوب می شدند و در سرنگونی طالبان در سال 2001 نقش موثری داشتند.

پس از تحولات یازدهم سبتمبر و تاسیس دولت حامد کرزی، دومین مجمع جنبش ملی اسلامی افغانستان، با فاصله ای ده سال از جمع اول آن در روزهای 30 و 31 ماه ثور 1381 در شهر مزار شریف برگذار شد. در این گردهمایی از موافقت نامه های بن پشتیبانی به عمل آمد و مراسم تأسیس این جنبش بازسازی شد، اما بطور رسمی از آقای دوستم به عنوان رهبر حزب، به خاطر مصلحت های سیاسی ذکری به عمل نیامد و این حزب در سال 1384 نام سید نورالله ، در وزارت عدليه ثبت شد. گفتنی است که در مرام نامه جنبش ملی اسلامی افغانستان، از استقرار قوای حافظ صلح ملل متعدد، در شهر کابل و در شهرهای بزرگ دیگر افغانستان حمایت شده است²².

ترکمن ها در همه تحولات کشور از بدو تاسیس حزب جنبش اسلامی افغانستان در کنار دیگر اعضايی حزب جنبش حضور داشته در همه مبارزات بخاطر آرمان های این حزب جنگيدين ، به خصوص در زمان حمله قشون سرخ شوروی بر افغانستان و دوره جهاد و مقاومت اشتراك داشته اند، ترکمن ها در زمينه دفاع از ارزش های اسلامی و از وجب واجب خاک وطن برای حفظ استقلالیت جان های شيرين خود را از دست دادند، و هميشه خود را بدننه نظام در کشور دانسته اند. در حقیقت چه مردانی با قامت بلند، شجاع و با احساس

²² سيرت، سياوش، نقش تركتباران در مشاركت سياسي افغانستان. تهران، ص، 17،

ترکمن سپهار اشغال این خاک و وطن گردیدند و شهید شدند. ترکمن های که در آن زمان سلاح بر دست داشتند و در برابر دشمن ایستادند و برای آرمان های حزب جنبش اسلامی جان های شان را از دست دادند، چه سپهسالارانی به بهانه های سیاسی از بدنه این حزب برداشته شدند. این مبارزین فقط چند چیز را در فکر خود میپروراندند.

1. ایده های مطلق اسلامی که به چه دیدی کشور عزیzman اشغال روس ها شود و اسلامیت مان زیر سوال برود.

2. چرا به نوامیس و خاک مان تجاوز شود چون این خانه صاحبانی دارد و این خاک برای معامله نیست.

3. ترکمنها هم همچون دیگر اقوام ساکن در کشور برای استقلالیت و برابری در کشور مبارزه میکردنند.

مبارزین و شهیدان ترکمن بخاطر حفظ همه این ارزش ها و ایمان به وطن مبارزه کردند و شهید شدند، جنگ سالاران ترکمن ماه ها حتی سالها در جنگ سپری میکردند از خانه و کاشانه شان بدور بودند نه خطی و نه هم احوالی از زنده بودن این قهرمانان در دست فامیل شان بود. حتی پدرانی بودند که چهره فرزند تازه تولد یافته خود را نمی دیدند، مادران و همسران این راد مردان همیشه دست به دعا بودند که مبادا فرزند مبارز شان را چیزی شود و خواستار پیروزی شان در میدان نبرد میشدند. جسد های شهیدان گاه تسلیم خانواده شان میشد و روز و گاه هم در زمان جنگ دفن میگردید، و این ها مردانی بودند که گاه پیاده و گاه هم سوار اسپ در خط نخست جبهات داغ نبرد

میجنگیدند، تا کسانی باشند بخاطر الله و حفظ وطن جان میدهند. اما به آنچه
که در آینده های سیاسی در کدام مقام قرار خواهند گرفت و اقوام که خود را
اکثریت میدانند چه رویکرد در قبال قوم شریف ترکمن داشته باشند، لحظه ای
هم چنین چیزی در ذهن شان خطور نکرده و نمی کرد.

د: حزب اسلامی

با آن که حزب اسلامی به رهبری دیگر اقوام تشکیل گردیده، اما تعدادی زیادی از قوم ترکمن ها در آن فعالیت نموده است و در ملت سازی و دولت سازی نفع رسانیده است و در مورد سابقه و نحوه تشکیل حزب بیش از هر حزبی اختلافات این حزب جمعیت اسلامی در مورد تصاحب نهضت اولیه اختلاف وجود دارد، هر کدام خود را بنیان گذار نهضت اسلامی به حساب می‌آورند. نخستین موسسان جریان اسلامگرا های دانشجویی، که پایه گذاران حزب اسلامی نیز شناخته می شوند، عبارت بودند از عبدالرحیم نیازی، مولوی نیازی، مولوی حبیب الرحمن، سیف الدین نصرت یار، عبدالقادر توانا، غلام ربانی عطیش، سید عبدالرحمن، گل محمد خان، گلبدین حکمتیار، محمد عمر، عبدالحبیب حنانی و خواجه محفوظ مسروور.

آنان در سال 1348 ش نخستین حلقه دانشجویان مسلمان را پدید آوردند و عبدالرحیم نیازی رهبری این گروه را به دست گرفت. سپس پنج تن با عنوان(شورای رهبری) مسؤول تنظیم و ترتیب امور مبارزاتی دانشجویان شدند. در سال های 1355 و 1356 ش، میان جنبش اسلام گرایان شکاف ایجاد شد. آن دسته از جوانان مسلمان که مبارزه قهرآمیز با حکومت وقت افغانستان را پیش گرفتند، (حزب اسلامی) نامیده شدند و گروهی که معتقد بودند آمادگی لازم را ندارند و ترجیح می دادند با شکیبایی و نفوذ در ارتش کودتا کنند، (جمعیت اسلامی) نام گرفتند. رهبر حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و رهبری جمعیت اسلامی برهان الدین ربانی بود.

در سال 1358 ش، انشعاب دیگری در حزب اسلامی رخ داد و مولوی یونس خالص با جدا شدن از حکمتیار، حزب دیگری با همین نام (حزب اسلامی افغانستان) ایجاد کرد.

پس از کودتای 1357 در کابل و مهاجرت وسیع مردم افغانستان به پاکستان، حزب اسلامی و سایر احزاب مبارزه موقعی مناسب به دست آوردند. سیاست دولت پاکستان مبنی بر اینکه مجاهدین برای ادامه فعالیت جهاد و تنها از طریق یکی از احزاب مستقر در پاکستان می توانند اسلحه و کمک دریافت کنند، باعث شد که آواره گان خواه ناخوا به عضویت یکی از احزاب افغانی مطرح در پاکستان در آیند. اما حزب اسلامی نماینده بخشی از غلزاری های پشتوان به شمار می آمد و به لحاظ اجتماعی پایگاه مردمی اش محدود بود، بنابرین نتوانست بصورت حزب فراگیر، سایر شاخه های اقوام پشتوان یا سایر اقوام را در بر گیرد. از جمله مسائل که این حزب با آن رو برو شد، در گیری با سایر گروه های مجاهدین بود. در طول دوره جهاد که حزب اسلامی از نظر دسته بندی سیاسی در صف گروه های ائتلاف هفت گانه پشاور قرار داشت، در ظاهر هرگونه مصالحه سیاسی، از جمله مذاکرات ژینو را رد می کرد. ا نظر نظامی نیز روش خاص خود را پیش گرفت و جز درگیری های مستقیم، به ایتلاف و اتحاد با عناصری از درون حاکمیت روی آورد.

در فرجام حکومت کمونیستی کابل از درون فروپاشید هر یک از رهبران در پی ایتلاف با مجاهدین برآمدند. سران پشتوان جناح خلق با حزب اسلامی کنار آمدند و راه ورود مجاهدین حزب اسلامی را به کابل باز و بطور مشترک ارگ

(کاخ ریاست جمهوری)، نخست وزیر، وزارت کشور، وزارت خارجه و سایر مراکز مهم کابل را اشغال کردند.

در پی ورود نیروهای حزب اسلامی به کابل، نیروهای حکومت به احمدشاه مسعود تمایل داشتند، به مقابله با آنان پرداختند. حکمتیار در ۱۰ اسد ۱۳۷۱ شکست خورد و در اطراف کابل مستقر شد. نیروهای حزب اسلامی در پنج جنگ بزرگ و خونین که در کابل روی داد به نحوی شرکت داشتند حزب اسلامی، در اوان پیروزی مجاهدین، با بهانه قراردادن حضور شبہ نظامیان وابسته به جنبش ملی- اسلامی شمال به رهبری جنرال دوستم در کابل از مشارکت در دولت مجاهدین اجتناب ورزید، اما دیر نپاید که در ۱۳۷۲ در یک شورای هماهنگی با جنبش ملی- اسلامی شمال و حزب وحدت اسلامی و جبهه نجات ملی، ایتلاف واقدام به عملیات ضد حاکمان کابل کرد.

در سال ۱۳۷۳ ، اوضاع بحرانی کابل و سایر مناطق افغانستان زمینه را برای ظهور گروه جدید، (طالبان) در عرصه سیاسی و نظامی افغانستان فراهم آورد. حذف حزب اسلامی و سپس حزب وحدت اسلامی از جنوب و غرب کابل به دست طالبان و رویارویی آنان در برابر حکومت کابل باعث شد حاکمان این شهر به حزب اسلامی گرایش پیدا کنند و ازان ها کمک بخواهند .

به همین علت در ۶ میزان ۱۳۷۴ رهبری حزب اسلامی مقام نخست وزیری را که دولت کابل پیشنهاد کرده بود، بر عهده گرفت و در ۹ وزارت خانه نیز به این حزب اختصاص یافت. تا ۶ میزان طالبان بر کابل مسلط شدند قدرت در دست حزب اسلامی بود و هنگام آخرین حمله طالبان به کابل ، فرماندهان حزب اسلامی حکمتیار یکی پس از دیگری به طالبان تسليم شدند. نیروهای احمد

شاه مسعود هم نتوانستند مقاومت کنند، بنابرین رهبران حزب اسلامی به طرف بغلان و قندوز در شمال کشور گریختند.

در مورد مناسبات خارجی این حزب باید گفت رهبران اسلامی که اواسط دهه 1950 به پاکستان پنا برده بودند، با استقبال ذلوفقار علی بوتو نخست وزیر وقت آن کشور روبرو شد. و حزب جماعت اسلامی پاکستان به رهبری ابوعلی مودودی و نیز جامعه روحانیت پاکستان به رهبری مولانا مفتی محمود از آنان حمایت کرد.

بطور کلی حزب اسلامی یکی از احزاب قدرتمند جهادی از نظر نظامی بود که در تمام ولایات های افغانستان پایگاه نظامی داشت و مورد حمایت کشورهای پاکستان، امریکا و عربستان بود. اما حکمتیار نه اخوانی میانه رو به حساب می آمد و نه وهابی بود نه هم مانند سیاف بود که اعتقاد از وهابی و پشتون گرایی داشت. اسلام سیاسی حکمتیار اسلام سلفی بود که در قالب جنبش جدید اخوانی یا با مطالعه کتبی از نویسندهای مصری و همراه با استادان مسلمان دانشگاه کابل راه یافته بود و با روحیه سرسخت بومی او سازگاری داشت. او فکر می کرد با دریافت کمک های مالی امریکا و عربستان سعودی حاکمیت افغانستان را به دست آورد، در حالیکه کمک پاکستان به این حزب بدان علت بود که فکر می کرد حزب اسلامی بهترین گزینه برای حاکمیت آینده افغانستان است.

همچنین حکمتیار در ظاهر مخالف ناسیونالیسم بود، لذا پاکستان تصور می کرد قضیه (پشتونستان) و خط مرزی دیورند در آینده حل خواهد شد. از این رو، پاکستان به حزب اسلامی امید بسیار بود و بیشترین کمک های خارجی

را در اختیار این حزب قرار می داد و افرادش را تربیه میداد، اما حکمتیار به کمک دلار های باد آورده در جنگ نفت خلیج فارس به نفع صدام حسین علیه کسانیکه حزب را تامین مالی می کردند، موضع گرفت و برخلاف میل توصیه ژنرال ضیوالحق، حاضر نشد هنگام سفرش به سازمان ملل متحد با رونالد ریگان، رئیس جمهور امریکا ملاقات کند.

حکمتیار نمی خواست و یا نمی توانست مساعدت امریکا را علی کند. از این تاریخ سیر کمک های خارجی به این حزب خشک شد و این حزب از رده بیرون شد. پاکستان و متحداش به دنبال ایجاد بدیل(طالبان) را برای اهداف دراز مدت خود به وجود آوردند پس از آن سیاست حزب اسلامی به تدریج به سوی ایران گرایید وقتی احمد شاه مسعود در کابل با شیعیان هزاره در گیر شد، حکمتیار رقیب او بیش از پیش به ایران نزدیک شد تا جایکه پس از شرکت در اجلاس جوزا 1375 م تهران، در ایران اقامت گزید.

با این حال پس از اجلاس بن در 1380 که به تشکیل حکومتی تحت ریاست حامد کرزی در کابل منتهی شد و نیز ورود نیروهای ایتلاف امریکا و انگلیس و شماری دیگر از کشورهای اروپایی به افغانستان، حکمتیار نتایج اجلاس مذکور و حضور نیروهای خارجی در افغانستان را به شدت محکوم و به طور تلویحی سیاست خارجی ایران را به سبب تایید اجلاس بن و به رسمیت شناختن دولت افغانستان مورد انتقاد قرار داده و خاک ایران را ترک کرد. در همین سال در زمان نیروهای امریکایی به منطقه کوهستانی غار های تورا بورا در شرق افغانستان حکمتیار رهبر القاعده را در این منطقه فرار داد و متعاقب آن، دولت امریکا حزب اسلامی را در زمرة سازمان تروریستی قرار داد و دارای هایش

توقیف شد. پس از آن حکمتیار ضمن تمجید از حملات طالبان به نیروهای خارجی با آن ها اعلان همکاری کرد و اظهار داشت که در حال حاضر گروهای مختلف افغان باید اختلافات شان را کنار بگذارند و مانند دوران مبارزه با روس در برابر حمله امریکا به پا خیزند. دولت افغانستان نخستین بار در 17 دلو 1385 ش از رهبر حزب اسلامی که گفته می شود در پاکستان متواری است، خواسته است به برقراری صلح و امنیت در افغانستان کمک کند. اما حکمتیار بار ها اعلام کرده است زمانی مذاکرات صلح با دولت افغانستان را آغاز می کند که نیروهای خارجی از افغانستان بیرون شوند.²³

²³ سیرت، سیاوش، نقش ترکتیباران در مشارکت سیاسی افغانستان. تهران، ص، 16

۵: امید و تحول در آینده سیاسی ترکمن‌ها

اگر از آینه نفوس بنگریم، ترکمن‌ها هم از منظر جمعیت و هم از منظر مساحت ارضی بزرگی را در شمال کشور و در مناطق دیگر افغانستان جایگاه وسیعی را صاحب اند. تحولات‌های پسین، ترکمن‌ها را به سمت آگاهی اجتماعی و سیاسی وا داشته است. این مردم مظلوم سرانجام مهر اقلیت بودن را شکستنده، آهسته-آهسته خود را از زیر آوار تعصبات قومی سر بیرون می‌آورند. تظاهرات‌های گسترده پیش ترکمن‌ها با بت اختطاف جوانان ترکمن در ولایت بلخ در دوره حکومت اشرف غنی در حقیقت بسیج مردمی، حس برادری و همدردی این قوم نماد از رسیدن به همدیگر پذیری و عقلانیت سیاسی در کشور بود. صدای عدالت خواهی ترکمن‌ها از هر سمت و سو شعله در حس همدردی قوم ترکمن در داخل افغانستان و خارج از افغانستان داشت.

۲۴ : آیه ۱۱ سوره رعد *إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ*
طبق آیت قرآنی خداوند میفرماید

یک قانون کلی و عمومی را بیان می‌کند، قانونی که سرنوشت ساز و حرکت آفرین و هشدار دهنده است. که الله متعال می‌فرماید: خداوند هیچ قومی را تعغیر نمی‌دهد مگر خود قوم خودش را تعغیر دهد. طبق فرموده خداوند ترکمن‌های افغانستان در همه حالات نیاز به بسیج و همدیگر پذیری دارد.

۲۴ قرآن کریم

حرکتی که میتواند از هر نوع بن بست ها بشر را برهاند و به سمت سعادت سوق دهد.

ترکمن ها به عنوان کتله بزرگ قومی در کشور در تشکیل دولت و ملت سازی نقش دارند البته مشکلات اجتماعی، سیاسی که قبلاً ذکر شد. که همه عدم آگاهی بین این اقوام و یا موانع از طرف دیگر اقوام میتوانند تحولات باعث عدم سهم گیری در حکومت و دولت سازی شود.

فرایند تربیت سیاسی، خرد جمعی یا همان جامعه پذیری سیاسی در قالب رویکردهای برنامه ریزی سیاسی به صورت فعلیت یافته و یا بالقوه می‌تواند در شکوفا سازی سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، کلید فهم کنش متقابل شهروندان با حاکمیت نظام سیاسی و اجتماعی وقت هر جامعه ای باشد. این رویکرد پویا باعث شکل گیری هویت های فرهنگی- اجتماعی و سیاسی خواهد شد که می‌تواند مهارت های زندگی را برای نسل دانش پذیر جامعه از جمله در بعد سیاسی با تاکید بر نگرش های عمیق و رفتارهای پایدار سیاسی نهادینه نماید.

بر اساس دستاوردهای برنامه ریزی درسی جامعه پذیری سیاسی بر تاثیر پایدار مشارکت سیاسی و انسجام بخش هر جامعه ای کمک می‌کند تا درک و فهم نگرش شهروندانش را برای تجزیه و تحلیل جامعه سیاسی ارتقاء بخشد.

وقتی اقوام ها با هم به طور مساوی در سهم گیری سیاسی صورت گیرد دیگر جای برای تضاد های قومی و برتریت ستیزی در بین جامعه کم رنگ می‌گردد این گونه است که مشارکت رنگ اساسی خود را اخذ نموده و راهی برای ثبات

و برابری بین اقوام و شگوفایی کشور شکل میگیرد. با آن که در بازی های سیاسی خصوصاً مردم قوم ترکمن چندان رونما در عرصه سیاست گذاری ها و سهم گیری ها در عرصه سیاست نداشته است.

اما بنابر عوامل مختلفی قوم ترکمن واقعاً در تضاد های قومی و بازی های سیاسی این قوم بار ها مورد سرکوب قرار گرفته با آن که حق شان نظر به نفوس شان در بین اقوام افغانستان است تا یک رهبریت را تشکیل و برای رفای جامعه آدرس مشخص داشته باشند.

اما امید واری هایی نیز وجود دارد تا افغانستان روزی را تجربه نماید تا بتواند هیچ قومی بین از حلقه سیاسی و مشارکت بیرون نبوده و در مشارکت های سیاسی سهیم باشند و از آن جای که برای همه هویدا است قوم ترکمن از جمله اقوامی بومی این کشور به شمار رفته و رنگ و بوی خاک کشور را تشکیل می دهد و از عرصه توسعه اقتصادی و اجتماعی با امکانات کمتر موفقیت های مزیدی را همراه دارند و داشته اند.

نتیجه گیری:

این رساله بدون جانب داری در مورد پیشینه تاریخی ترکمن ها در افغانستان و چالش های سیاسی آنها در حکومت های پیشین از حکومت مؤقت تا ختم دروان جمهوریت پرداخته شده است. این تحقیق در باره پیشینه تاریخی ترکمن ها در افغانستان و چگونگی رویکرد های سیاسی در باره ترکمن ها پرداخته ، در ضمن برخورد های سلیقه ای در قبال ترکمن های افغانستان بحث نموده است. در حقیقت ترکمن های افغانستان بیشتر از هر زمانی قربانی باز های سیاسی اجتماعی در این مرز و بوم قرار گرفته و در این نوشه به طور صادقانه و بدون جانبی داری حقایق بیان شده است. دولت و دولت سازی در کشور همچون افغانستان ربطی به اجتماع و مردم دارد و مردم شکل دهنده دولت و بهترین تصمیم گیرنده سیاسی اقوام است که رول کلیدی را در جامعه بازی میکند .

به هر حال، حالا زمان آن فرارسیده که جوانان تحصیل کرده ترکمن با هم یکجا زیر یک چتر وحدت و همدیگر پذیری گامی به پیش گزارند تا تاریخ گواه پیروزی و پیشرفت های این قوم را با بالندگی حرف بزنند. و در هر نظام حاکم باید برای احراق حقوق شان ب瑞یده، از موضوع تعصباتی اقدام بکنند و برای رفاه و همدیگر پذیری در کشور تلاش بکنند. بهتر خواهد بود از تاریخ گذشته سیاسی در افغانستان و مبارزات و جانبازی های سیاسی اجتماعی درس عبرت بگیرند و برای آینده قدم عادلانه و عاقلانه سیاسی بردارند تا کسانی باشند که تاریخ روایتی از مبارزات و تلاش های سیاسی شان را به بالندگی بنویسد که

نسل های آینده ترکمن ها در افغانستان از این پیروزی و مبارزات که در تاریخ و کتاب ها حک و نوشته شده به بهترین شکل درس عبرت بگیرند.

پیروزی و شکوه های سیاسی اجتماعی در وحدت و همدیگر پزیری شکل میگرد و همدیگر پزیری راه را برای رستگاری اقوام میگشاید. نیروی شما در اتحاد شماست. از اتحاد خود پاسبانی کنید. به تاریخ مبارزات خود فخر بورزید و بدانید با اتحاد پیروزی شما در راه است.

منابع و مأخذ

1. قرآن کریم
2. حدیث شریف
3. راسخ، محمدصالح (1380). تاریخ و فرهنگ ترکمنها..
4. نیک آیین، امیر. (1350). واژه نامه سیاسی اجتماعی.تهران، انتشارات، حزب توده ایران .
5. قرقین، نور محمد. (13) سزاواز این نبودیم، کابل،
6. گلی، امین الله. (1366). تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن ها. تهران، انتشارات علم .
7. خلیل زاد، زلمی. (1395). فرستاده، تهران، انتشارات کتاب کلوله پشتی .
8. ایشچی، عبدالمجید. (1387). ترکمن های افغانستان ، انتشارات مخدومقی فراغی .
9. سیرت، سیاوش. (13) . نقش ترکتباران در مشارکت سیاسی افغانستان. تهران، مقاله کنفرانسی
10. دولت آبادی ، ۱۳۷(1) نشرات پژوهش مص .۳۴ -۳
11. امینی، محمد کاظم . (1395). تاریخ میمنه. انتشارات آزاد میمنه،

Abstract

This topic is long and complex, and it requires examining the political challenges of the Turkmen from various perspectives and viewpoints. However, it is not possible to go into detail about the historical background of the Turkmen, their presence in Afghanistan, the governments, and empires they have established worldwide, to clarify the phenomenon of what kind of civilization the Turkmen possess in the region. One of the complex, multifaceted, and undeniable issues that humans experience, largely as a result of their social existence, from the first moment of entering this world until the last moments of their lives, is the process known as socialization.

This includes efforts aimed at flourishing and the full participation of cultural capital and mutual respect principles, as well as cooperation toward an important, all-encompassing goal, and the creation of an inclusive safe space to prepare individuals to fulfill the roles expected in a designed social structure. All of these result from an inclusive culture. Here, the aim of political participation is the involvement of all citizens of a country or state in which they live. However, it is unfortunate that in Afghanistan, for many years, political participation has taken on a different meaning.

This book aims to briefly discuss the political challenges of the Turkmen, their political participation during the terms of Hamid Karzai and Ashraf Ghani, as Turkmen of Afghanistan, in the context of politics. In fact, there has been no research so far on the Turkmen of Afghanistan in the context of politics in the country. This research seeks to examine the political and social challenges faced by the Turkmen of Afghanistan during the administrations of Hamid Karzai and Ashraf Ghani.

In this thesis, efforts are made to discuss the identity of the Turkmen of Afghanistan in the context of politics, their position in political processes, the biased and discriminatory behaviors towards the Turkmen, and their economic and social progress.

